



مرکز تحقیقات اسلامی

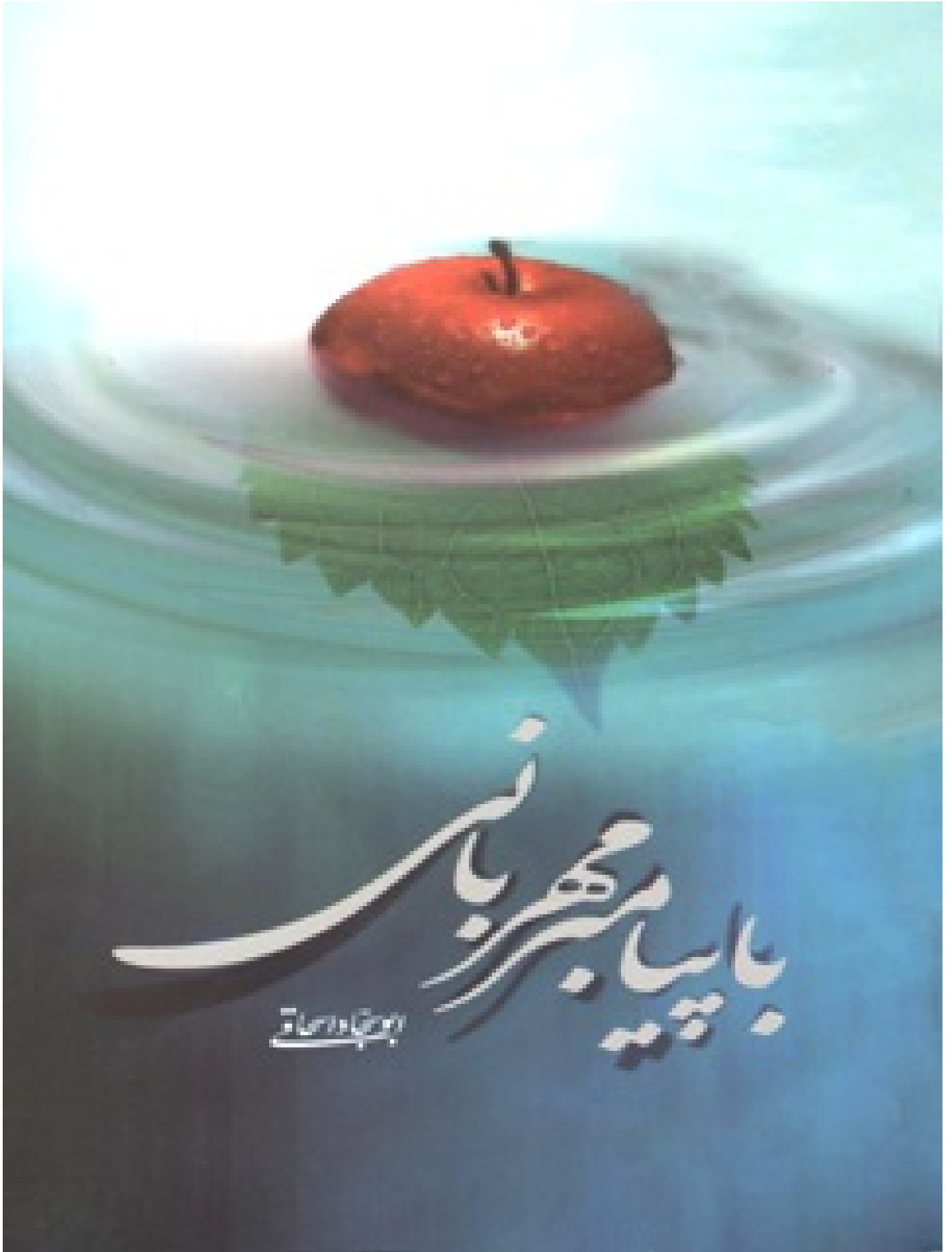
اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با پیامبر مهربانی

نویسنده:

حسین اسحاقی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	با پیامبر مهربانی
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۳۰	سپیده سخن
۳۵	آ
۳۵	آخرت فروشی
۳۶	آینده‌نگری در کار
۳۸	الف
۳۸	احترام به حقوق دیگران
۳۹	احترام به هم‌نشینان
۴۰	احسان و نیکوکاری
۴۱	ارزش علم و عبادت
۴۲	ارزش هدایت دیگران
۴۳	استبداد رأی
۴۴	استفاده از تجربه‌های دیگران
۴۵	اظهار خوشحالی از گناه
۴۶	اظهار کردن حق
۴۷	امیدواری به رحمت خداوند
۴۹	ب
۴۹	بازگشت
۵۰	بدترین فقر
۵۱	بدگویی در غیاب افراد

۵۲	بدهکاری در اثر قرض‌های نابجا
۵۳	برادران الهی
۵۴	بهترین کردار
۵۶	بی‌احترامی به والدین
۵۹	پ
۵۹	پرحرفی
۶۰	پرخوری
۶۱	پرخوری و سخت دلی
۶۲	پرده‌پوشی
۶۳	پرسش قیامت
۶۴	پرسش‌گری
۶۶	پرهیز از نجوا
۶۷	پشتکار
۶۸	پناهگاه نیازمندان
۶۹	پندآموزی از درگذشتگان
۷۰	پند و اندرز
۷۱	ت
۷۱	تأخیر در انجام کار
۷۲	تحقیر دیگران
۷۲	تدبیر و خویش‌داری
۷۳	ترویج فساد
۷۵	تظاهر به گناه
۷۶	تظاهر و ریا
۷۷	تلاوت قرآن

۷۹	تنفر از گناه
۸۰	توکل به قدرت الهی
۸۱	تهمت دزدی
۸۳	ث
۸۳	ثروت‌مندان بی تفاوت
۸۵	ج
۸۵	جبران نیکی
۸۶	جدال همیشگی
۸۷	جلب اعتماد مردم
۸۸	جلب رضایت الهی
۸۹	جواب نامه
۹۱	چ
۹۱	چشم داشتن به مال دیگران
۹۳	ح
۹۳	حفظ آبرو
۹۴	حق کشی
۹۵	حل اختلاف
۹۶	حلال و حرام
۹۷	حیا و ایمان
۹۹	خ
۹۹	خبر ناموثق
۱۰۰	خداترسی
۱۰۱	خداخواهی
۱۰۲	خدمت به مردم

۱۰۳	خشم
۱۰۵	خواب صبح‌گاهی
۱۰۶	خواندن نامه دیگران
۱۰۷	خوش‌بویی
۱۰۸	خوش‌رفتاری با خانواده
۱۰۹	خیرخواهی
۱۱۱	د
۱۱۱	دانش‌اندوزی
۱۱۳	دانشمندان بی‌عمل
۱۱۴	دانشمند فاسد
۱۱۶	دانشوری
۱۱۸	درخواست
۱۱۹	دروغ‌گویی
۱۲۱	دعا در غیاب دیگران
۱۲۲	دعوت به گمراهی
۱۲۳	دگرگونی‌های زندگی
۱۲۴	دنیابرابی
۱۲۵	دوری از مواضع اتهام
۱۲۶	دوستی خدا
۱۲۹	ر
۱۲۹	راست‌گویان دروغین
۱۳۰	راهنمایی
۱۳۱	رسوایی آخرت
۱۳۳	ز

۱۳۳	زهد و پارسایی
۱۳۴	زیبا سخن گفتن
۱۳۷	س
۱۳۷	سست ایمانی و تجمل‌گرایی
۱۳۸	ستایش بدکار
۱۳۹	سحر خیزی و بی‌نیازی
۱۴۰	سراشویی سقوط
۱۴۲	سرعت در خیرات
۱۴۳	سستی در عبادت
۱۴۴	سلام
۱۴۵	سوغات سفر
۱۴۷	سوگند ناصواب
۱۴۹	ش
۱۴۹	شادی چشم‌ها
۱۵۰	شایسته‌سالاری
۱۵۲	شتاب در توبه
۱۵۲	شنیدن سخنان خوب
۱۵۴	شهادت دروغ
۱۵۵	ص
۱۵۵	صداقت در تجارت
۱۵۶	صله رحم
۱۵۷	ض
۱۵۷	ضیافت مقبول
۱۵۹	ط

۱۵۹	طلب عافیت برای دیگران
۱۶۱	ع
۱۶۱	عالم به دنیا و جاهل به آخرت
۱۶۲	عبادت مخفی
۱۶۳	عذرپذیری
۱۶۴	عزت نفس
۱۶۵	عفو به هنگام قدرت
۱۶۶	عیادت از بیماران
۱۶۹	غ
۱۶۹	غذای دسته جمعی
۱۷۰	غرور علمی
۱۷۱	غنیمت شمردن لحظه‌ها
۱۷۳	ف
۱۷۳	فداکاری برای دین
۱۷۴	فریب‌کاران
۱۷۷	ق
۱۷۷	قرض گرفتن
۱۷۸	قناعت
۱۷۹	ک
۱۷۹	کم حوصله بودن
۱۸۰	کمک به نابینایان
۱۸۱	کوچک شمردن مشکلات
۱۸۲	کیفیت بخشیدن به کار
۱۸۳	گ

- گذشت ۱۸۳
- گردش ایام ۱۸۴
- گشاده‌رویی ۱۸۵
- گشایش در زندگی ۱۸۶
- گوهرهای درخشان ۱۸۸
- ل ۱۹۱
- لبخند ۱۹۱
- لجاجت و ستیزه‌جویی ۱۹۲
- م ۱۹۵
- مبارزه با هوای نفس ۱۹۵
- مدارا با بدهکاران ۱۹۶
- مدارای مشروط ۱۹۷
- مردم‌آزایی ۱۹۸
- مزد کارگر ۱۹۹
- مشورت ۲۰۰
- ملاحظه‌کاری ۲۰۱
- مهمان ناخوانده ۲۰۳
- میزان سنجش عقل ۲۰۴
- ن ۲۰۵
- نزدیک‌ترینان به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۲۰۵
- نفرین ستم‌دیدگان ۲۰۶
- نماز ۲۰۷
- نماز شب ۲۰۸
- نماز صبح در مسجد ۲۰۹

۲۱۱	نیکوکاری
۲۱۳	و
۲۱۳	وساطت در ازدواج
۲۱۴	وصیت‌نامه
۲۱۵	ه
۲۱۵	هدیه
۲۱۶	هدیه معنوی
۲۱۷	هم‌نشینی با فقیران
۲۱۸	هم‌نشینی با نیکان
۲۲۱	ی
۲۲۱	یادداشت دانستنی‌ها
۲۲۲	یاد کرد نیکی مردگان
۲۲۵	کتابنامه
۲۲۸	درباره مرکز

با پیامبر مهربانی

مشخصات کتاب

سرشناسه: اسحاقی، سیدحسین، ۱۳۴۱ -
 عنوان و نام پدیدآور: با پیامبر مهربانی / ابوسجاد اسحاقی.
 مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۸.
 مشخصات ظاهری: ۲۱۶ص.
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۱۹۰-۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: کتابنامه:ص [۲۱۳] - ۲۱۵؛ همچنین به صورت زیرنویس
 موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق -- احادیث -- احادیث
 موضوع: Muhammad, Prophet -- Hadiths
 رده بندی کنگره: BP۱۴۲/۵ / الف ۲۴۶ ب ۲ ۱۳۸۸
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۶۳۰۰۴
 ص: ۱

اشاره

زان که ملت را حیات از عشق اوست برگ ساز کاینات از عشق اوست

اقبال لاهوری

بیان شیرین و سخن دل‌نشین رسول خدا صلی الله علیه و آله، شفابخش‌ترین داروی دل‌های خسته‌ای است که راه و راهنمای کمال و

سرچشمه خورشید را جست‌وجو می‌کنند. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید:

بی‌گمان دل‌ها نیز بسان بدن‌ها خسته می‌شوند.

پس برای رفع خستگی دل، طرفه حکمت‌هایی بجوئید.

به راستی، سفارش‌ها و رهنمودهای پیامبر، مانند بهاریه‌ای است که فضای جان را سرسبز و باطراوت می‌سازد.

ص: ۲

سپیده سخن

ص: ۱۸

صرف باطل نکند عمر گرامی پروین آن که چون پیر خرد، راهنمایی دارد

پروین اعتصامی

و خوشا به حال آنان که گل‌های رنگارنگ از شاخ مراد می‌چینند. حال که ناخدای سبزپوش بحر ولایت، جان زمان را به نام همیشه نورانی رسول وحی و پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله آذین بسته، بهترین فرصت برای این کار است و سخنان گهربار پیامبر بهترین هدیه‌ای است که می‌توان در آغاز بهار هدیه همراهان ساخت. نبی مکرم می‌فرماید:

مسلمان به برادرش، بهتر از کلمه‌ای حکمت‌آمیز که بر هدایت او بیفزاید یا او را از سقوط بازدارد، هدیه نمی‌دهد. (۱)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، هر جا که دل‌های مردم را برای شنیدن آماده می‌دید، سخن می‌گفت؛ چه بر منبر، چه روی زمین و چه سوار بر شتر؛ گاه نیز ایستاده

۱- ورام بن ابی فراس اشتری، مجموعه ورام، تهران، چاپ‌خانه حیدری، ج ۲، ص ۲۱۲

ص: ۱۹

سخنرانی می‌کرد. اگر بر فراز منبر می‌رفت، صورت خود را به طرف مردم می‌کرد و به آنان درود می‌فرستاد و پایان خطابه‌اش با استغفار همراه بود.

همواره محور سخنانش، درود بر خداوند و ستایش او به خاطر نعمت‌هایش، توصیف کمال او، آموزش بنیان‌های اسلام، یادآوری بهشت و دوزخ و سرای واپسین، سفارش به پارسایی و تبیین موارد خشم و خرسندی آفریدگار بود.

چنان شمرده سخن می‌گفت که شنونده می‌توانست واژگانش را بشمارد. همچنین فشرده‌گوترین انسان‌ها بود، ولی در عین ایجاز تمامی آنچه را می‌خواست بگوید، بیان می‌کرد. نه زیاده‌گویی داشت و نه کم‌گویی؛ جمله‌هایش پی‌در پی بود و میان آنها لحظه‌ای خاموش می‌ماند تا شنونده، سخنانش را دریابد و به خاطر بسپارد.

شیرین‌سخن‌ترین و شیواگوترین مردمان بود و می‌فرمود: «من فصیح‌ترین عربم». باری، بهشتیان به زبان محمد صلی الله علیه و آله سخن می‌گویند. جز به ضرورت

ص: ۲۰

سخن نمی گفت و می فرمود: «از نشانه‌های دانایی آدمی این است که در مسائل بیهوده، اندک سخن گوید». نه بسیار کم سخن بود و نه پرگو. هنگام حرف زدن، دهان را کاملاً باز نمی کرد و زمانی که سخن می گفت، شنوندگان سرشان را پایین می انداختند و چنان آرام بودند که گویا پرنده‌ای بر سرشان نشسته است و چون خاموش می شد، آنان حرف می زدند. به پُرگویان هشدار می داد و می فرمود:

هر که گفتارش بسیار باشد، اشتباهش بسیار شود و کسی که اشتباهش زیاد باشد، گناهانش بسیار گردد و هر که گناهانش بسیار باشد، دوزخ برای او شایسته تر است. (۱)

آن حضرت هیچ گاه با نهایت مرتبه عقل و فهم خویش با کسی سخن نگفت و می فرمود: «ما پیامبران، مأموریم که با مردم به اندازه عقل و فهم آنان

ص: ۲۱

سخن بگوییم» (۱).

رسول الله صلی الله علیه و آله، نمونه کامل تجلی این هنر و ادب است؛ سخنش عمیق، بامحتوا، زیبا، سنجیده و مختصر بود و اضافه‌گویی و کاستی در سخن ایشان یافت نمی‌شد. آداب سخن را کاملاً رعایت می‌کرد، شمرده و آرام سخن می‌گفت و در گفتارش صراحت لهجه داشت. در سخن گفتن سطح درک و فهم مخاطب را همواره در نظر داشت. او فصیح‌ترین سخن را داشت و لحن سخن او جالب، جذاب و شیرین بود. با صدای کوتاه سخن می‌گفت و کسی را با سخن نمی‌رنجانده. نعمت را هر چند ناچیز، گرامی می‌داشت و از آن بدگویی نمی‌کرد.

سخن از ترسیم سیمای آفتاب است؛ نور و درخشش او چشم‌ها را خیره و دل‌ها را می‌رباید؛ آفتابی که دل و جان هر آزاده‌ای با آن آشناست. این مجموعه، رشحه‌ای از کلمات ناب رسول الله صلی الله علیه و آله

ص: ۲۲

است که از نور محمد صلی الله علیه و آله برگرفته‌ایم و ما تنها وظیفه گوهرنمایی را برعهده داریم. باشد که آئینه کلاممان بتواند عطر وجود پیامبر را از خلال گفته‌های حکمت آموزش، به مشام جان‌ها بیافشاند.

این مجموعه را که با هدف نهادینه‌سازی رهنمودهای پیامبر تهیه شده است و سبزی بهار را در آئینه سخنان رسول اعظم صلی الله علیه و آله می‌جوید، تقدیم زائران ارجمند می‌کنیم؛ باشد که رواق دل‌هایمان با نام و یاد او عطر آگین شود.

ص: ۲۳

آ

آخرت فروشی

بعضی افراد به دلیل برخورداری از مال و مقام و دیگر ظواهر مادی - که صد البته ناچیز و فانی است - معنویت خود را فدا می‌کنند و کالای با ارزش ایمان را به قیمت کم می‌فروشند. اینان پس از مدتی، خود را در این معامله نابرابر، زیان‌کار می‌بینند و به پشیمانی و عذاب وجدان دچار می‌شوند. آنان به راستی از زیان کارانند. زیان کارتر و بدبخت‌تر از این گروه، کسانی هستند که برای دنیای دیگران، دین خود را می‌فروشند. اینان به کسانی یاری می‌رسانند که در روز حساب، یاور آنان نخواهند بود. چنین افرادی به دلیل کمک به دنیاپرستان و مسلط کردن آنان بر مردم، گناه بزرگی به گردن خواهند گرفت. پیامبر راستین اسلام می‌فرماید:

ص: ۲۴

إِنَّ مِنْ شَرِّ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَبْدًا أَذْهَبَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ. (۱)

بدترین مردم از نظر مقام در روز قیامت، کسی است که آخرتش را برای دنیای دیگران بفروشد.

آینده‌نگری در کار

باید پیش از انجام هر کاری، سود و زیان مادی و معنوی آن را سنجید و با مقایسه دریافت که آیا انجام آن کار به سود و صلاح است یا خیر؟

کسانی که در زندگی چنین محاسبه‌ای را در نظر می‌گیرند، نه تنها پشیمان نخواهند شد، بلکه همیشه از نتیجه کار خشنودند. در حقیقت، هر کار سنجیده و حساب شده‌ای به کام‌یابی بسیار نزدیک است. پس یکی از راه‌های موفقیت در زندگی این است که انسان جوانب هر کاری را بسنجد و سود و زیان آن را بررسی کند.

ص: ۲۵

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

اِذَا ارَدْتَ اَنْ تَفْعَلَ اَمْرًا فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَاِنْ كَانَ خَيْرًا فَاَمْضِهِ وَاِنْ كَانَ شَرًّا فَانْتِهِ. (۱)

هرگاه خواستی کاری انجام دهی، درباره نتیجه‌اش بیاندیش؛ اگر نتیجه نیک است، انجام بده و اگر بد است، از انجام آن پرهیز کن.

ص: ۲۶

الف

احترام به حقوق دیگران

همان‌گونه که آدمی دوست دارد دیگران به حق او تجاوز نکنند و احساسش را نادیده نگیرند، خود نیز به حکم وجدان و انسان بودن، وظیفه دارد تا حقوق همه انسان‌ها را محترم شمارد. اگر خدای ناکرده تصمیم گرفتید نسبت به حق کسی بی‌توجهی کنید، شایسته است پیش از اجرای این تصمیم، خود را به جای او قرار دهید و بیاندیشید که آیا اگر او چنین تصمیمی را درباره شما گرفته بود، ناراحت نمی‌شدید؟ به هر حال، بنابر فرمایش رسول گرامی اسلام، انسان باید به فکر آسایش و آرامش هم‌نوعان خود باشد. ایشان می‌فرماید:

أَحِبِّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ. (۱)

آنچه را برای خود می‌خواهی، برای مردم نیز بخواه.

ص: ۲۷

احترام به هم‌نشینان

انسان باید به هم‌نشینان خود احترام بگذارد، با آنان برخوردی بی‌تکلف داشته باشد و آنان را با بهترین اسم بخواند تا پیوند دینی بین آنان مستحکم‌تر شود.

انسان باید با کسانی هم‌نشین شود که هم‌تراز او بوده و از فرهنگ یکسانی برخوردار باشند؛ زیرا هر دسته و گروهی، رفتاری متناسب با فرهنگ خود دارند و اگر با غیر خود مباشرت کنند، به اختلاف و ناسازگاری دچار خواهند شد. بنابراین، برای پایداری دوستی‌ها انسان باید با کسانی معاشرت کند که از نظر دینی و فرهنگی، هم‌تراز او باشند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

أَفْضَلُ الْحَسَنَاتِ تَكْرِمَةُ الْجُلَسَاءِ. (۱)

بهترین کارهای نیک، گرامی داشتن هم‌نشینان است.

همچنین فرموده است:

ص: ۲۸

لَا تَصْحَبَنَّ أَحَدًا لَا يَرِي لَكَ كَمِثْلَ مَا تَرِي لَهُ. (۱)

با کسی که تو را هم سنگ خود نمی‌داند، هم‌نشینی مکن.

احسان و نیکوکاری

دستگیری از محرومان و کمک به مستمندان، عبادت است و خداوند را خشنود می‌سازد. گاهی صدقه در قالب کمک‌های مالی معنا می‌یابد و خداوند نیز برای صدقه دهنده، پاداش‌های فراوانی را در نظر گرفته است. البته با گسترش مفهوم صدقه، آن را می‌توان به هرگونه ترک آزار دیگران نیز تعمیم داد. اگر کسی سلیم‌النفس باشد و در پی آزار دیگران نباشد، نزد خداوند، ثواب کسی را دارد که به دیگران صدقه داده و در حق آنان احسان کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

تَرْكُ الشَّرِّ صَدَقَةٌ. (۲)

ترک کردن بدی، صدقه است.

۱- همان، ش ۲۴۶۱

۲- تحف العقول، ص ۵۷

ص: ۲۹

ارزش علم و عبادت

از دیر زمان این پرسش مطرح بوده است که علم برتر است یا عبادت؟ نشستن در حلقه علمی بهتر است یا پرداختن به تکلیف عبادی؟ باید دانست که در عبادت، انسان فقط به خود می‌رسد، ولی دانش، هم فایده فردی دارد و هم سود اجتماعی. البته دانشی مورد تأیید اسلام است که به حال فرد و جامعه، مفید باشد. دانشی که فایده‌ای نداشته باشد یا متضمن زیانی باشد، از گردونه این مقایسه خارج است. دانش می‌تواند بشر را به تکنولوژی برتر برساند و نیز می‌تواند زمینه‌ساز وارد آمدن زیان‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه انسانی باشد. نمونه آن در ساختن سلاح‌های میکروبی، شیمیایی یا بمب‌های اتمی و هیدروژنی به خوبی نمایان است. در کنار این نباید از یاد ببریم که بسیاری از پیشرفت‌های بشر در پرتو دانش صورت گرفته است. پیامبر ارجمند اسلام درباره وزن علم و عبادت می‌فرماید:

ص: ۳۰

فَضْلُ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ فَضْلِ الْعِبَادَةِ وَ أَفْضَلُ دِينِكُمُ الْوَرَعُ. (۱)

فضیلت علم نزد من از فضیلت عبادت محبوب تر است و برترین دستور دین شما، پرهیزگاری و پارسایی است.

ارزش هدایت دیگران

هدایت دیگران و بازداشتن آنان از انحراف، یکی از بزرگ‌ترین وظایف انسان است. برخی می‌پندارند این مهم را تنها یک دانشمند یا عالم دینی باید انجام دهد، در حالی که چنین نیست و همه اعضای جامعه اسلامی باید برای انجام آن بکوشند. چه بسا با یک رفتار سنجیده یا سخن منطقی، آینده روشنی برای یک فرد یا خانواده و در نتیجه، جامعه رقم بخورد. همه روزه، حوادث گوناگونی رخ می‌دهد که اگر افراد در آن مسئله پا در میانی کنند، ممکن است به راه‌های تاریک کشیده نشود. بسیار اتفاق می‌افتد که

ص: ۳۱

پس از رخ دادن حادثه‌ای، انسان خود را ملامت می‌کند که چرا در راه صلح و سازش و هدایت دیگران گامی برنداشته است. پیامبر بزرگوار اسلام در این باره می‌فرماید:

لَا يَهْدِي اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ. (۱)

اینکه خداوند به دست تو، شخصی را هدایت کند، از همه چیزهایی که خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند، برای تو بهتر است.

استبداد رأی

استبداد رأی، نشانه خودخواهی و یکی از صفات ناپسند اخلاقی است. دارنده این صفت، انتظار دارد که دیگران حتماً سخن او را بپذیرند و بی‌چون و چرا اجرا کنند. این گونه افراد به دلیل انتظار پوچ و بی‌اساس خود، بیشتر با ناکامی روبه‌رو می‌شوند و مردم به آنان، پاسخ مثبت نمی‌دهند. به‌طور کلی،

ص: ۳۲

نفس سلیم انسانی در برابر زور گویی‌ها، واکنش منفی نشان می‌دهد و هرگز زیر بار تحمیل و اجبار نمی‌رود. شایسته است که افراد، از دیگران انتظار بی‌جا نداشته باشند و خود را با واقعیت‌های موجود، سازگار سازند. پیامبر گرامی اسلام در نکوهش این خصلت ناپسند می‌فرماید:

... وَ كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا إِذَا أَعْجَبَ بِرَأْيِهِ. (۱)

... در گمراهی شخص همین بس که به رأی خود مغرور شود.

استفاده از تجربه‌های دیگران

برخی انسان‌ها با زیرکی و حسابگری ویژه خود، از تجربه‌های دیگران بهره می‌برند. بسیار اتفاق می‌افتد که افراد در کوتاه‌ترین زمان ممکن به کمک تجربه‌های دیگران به مسائل جدیدی دست می‌یابند، در حالی که اگر به خود متکی بودند، برای رسیدن به آن، باید زمان زیاد و هزینه‌های هنگفت

ص: ۳۳

صرف می کردند. بنابراین، انسان می تواند با استفاده از تجربه های ارزنده دیگران که حاصل سال ها رنج و تلاش آنان است:

الف) کاستی های تجربه گذشتگان را برطرف کند.

ب) به تجربه های تازه و غیرمنتظره ای دست یابد.

انسان می تواند از اندوخته های جمعی دیگران، بیشترین بهره را ببرد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

... لَا حَكِيمَ إِلَّا ذُو تَجْرِبَةٍ. (۱)

... آن کس که تجربه نیاندوزد، خردمند نیست.

اظهار خوشحالی از گناه

برخی پس از انجام دادن گناه، از کار خود شرمنده و پشیمان می گردند و همین پشیمانی سبب می شود که به خدا روی آورند و دیگر به گناه آلوده نشوند. آنان می کوشند تا دیگران هرگز از کارشان باخبر نشوند.

ص: ۳۴

در مقابل، عده‌ای دیگر چنان پرده حیا را دریده‌اند که بدون هیچ نگرانی، دیگران را از کار زشت خود آگاه و حتی از آن، احساس خوشحالی می‌کنند. بی‌تردید، این افراد که در ردیف بدترین انسان‌ها قرار می‌گیرند و در برابر آیین انسان‌ساز اسلام که به پرده‌پوشی گناه دستور داده است، ایستاده‌اند، به عقوبتی دردناک دچار می‌شوند. پیامبر گرامی اسلام در هشدارآموزنده می‌فرماید:

مَنْ أَذْنَبَ وَ هُوَ يَضْحَكُ دَخَلَ النَّارَ وَ هُوَ يَبْكِي. (۱)

هر که گناه کند و خندان باشد، در حالی که گریان است، وارد آتش می‌شود.

اظهار کردن حق

بسیاری از انسان‌ها با اینکه حق را تشخیص می‌دهند، ولی از بیان صریح و آشکار آن خودداری می‌کنند. این گریز از ادای حق و حقیقت، دلایل

ص: ۳۵

گوناه‌گونی دارد. گاهی برای تزییع حقوق دیگران است. زمانی، به خاطر رنجشی است که از طرف مقابل دارند و می‌خواهند بدین وسیله، او را ناراحت کنند و مایه آرامش خود را فراهم آورند. گاهی هم ممکن است با اینکه در قلب، تمایل خاصی به ادای حق دارند، ولی ابهت و قدرت زورمندان، آنان را از بیان واقعیت باز می‌دارد. این در حالی است که بر اساس آموزه‌های آزادی‌بخش اسلام، هر انسان مسلمان و آزاده‌ای وظیفه دارد به کمک مظلوم بشتابد. رسول آزادمردان جهان می‌فرماید:

لَا تَمْنَعَنَّ أَحَدَكُمْ مَهَابَةَ النَّاسِ أَنْ يَقُومَ بِالْحَقِّ إِذَا عَلِمَهُ. (۱)

مبادا ابهت مردم، شما را از اقامه حقی که از آن آگاهید، باز دارد.

امیدواری به رحمت خداوند

در هیچ حال، نباید از بخشش خداوند بزرگ ناامید شد. ممکن است گناه فرد، بسیار بزرگ باشد، ولی

ص: ۳۶

هرگز نمی‌توان از رحمت پروردگار بزرگ و بخشنده قطع امید کرد. گناه هر قدر بزرگ باشد، هرگز از رحمت بی‌پایان الهی بزرگ‌تر نیست. از این رو، ناامیدی از رحمت خداوند، گناهی بزرگ شمرده شده است. پس انسان مسلمان باید در خوف و رجا باشد. از یک سو، به آمرزش الهی امیدوار باشد و از سوی دیگر، از گناه خود بترسد و به توبه و استغفار روی آورد. باشد که درهای رحمت حضرت حق بر وی گشوده شود و مورد آمرزش قرار گیرد. پیامبر بزرگ اسلام می‌فرماید:

أَلْفَاجِرُ الرَّاجِي لِرَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى أَقْرَبُ مِنْهَا مِنَ الْعَابِدِ الْمُقْنِطِ. (۱)

بدکاری که به رحمت خدا امید دارد، از عابد ناامید، به خدا نزدیک‌تر است.

۱- همان، ش ۲۰۶۲

ص: ۳۷

ب

بازگشت

به جز معصومین علیهم السلام، هیچ کس از گناه ایمن نیست.

افراد عادی کم و بیش بر اثر غفلت و ناآگاهی گناه می‌کنند و از یاد می‌برند که عالم محضر خداست و آدمی نباید در حضور خداوند، چنین جسارتی کند.

با این حال، چه بسیارند کسانی که توفیق زبانی شامل حالشان می‌شود و از کرده خود پشیمان و به پاک‌سازی دل مشغول می‌شوند. آنان در تلاشند با دلی پاک و روانی آرام از جهان خاکی به سوی ملکوت اعلا پر بگشایند. اینان آن گاه که بر اثر وسوسه‌های شیطانی، دامن خود را به گناه می‌آلایند، از خدا استغفار می‌جویند و رنج توبه را بر خود هموار می‌سازند. این حالت، اعتقاد راسخ آنان به معاد و جهان آخرت را نشان می‌دهد. وقتی انسان در برابر دیدگان همیشه بیدار خداوند، گناه کرد و فقط او از آن آگاه شد، سپس احساس شرمندگی به او

ص: ۳۸

دست داد و با رنج عبادت و اشک دیدگان، در صدد جبران لغزش‌ها برآمد، خداوند نیز او را شامل رحمت خود می‌کند و از او درمی‌گذرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ترغیب به توبه و بازگشت می‌فرماید:

طُوبَى لِمَنْ نَظَرَ اللَّهَ إِلَيْهَا تَبْكِي عَلَى ذَنْبٍ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَى ذَلِكَ الذَّنْبِ أَحَدٌ غَيْرُ اللَّهِ. (۱)

چه خوش است صورتی که خداوند به آن نظر افکند و بر گناهی که کسی جز خداوند از آن آگاه نیست، گریه می‌کند.

بدترین فقر

نادانی، بیماری درمان ناپذیری است. نادان استقلال فکری ندارد و مانند بید، با هر بادی به سویی می‌چرخد. همیشه چشم به دیگران دوخته است تا برای او تصمیم بگیرند و در این میان نمی‌داند که مسیر هدایت را می‌پیماید یا راه گمراهی را؛ زیرا این موضوع را راهنمایی نادان مشخص می‌کند. اگر

ص: ۳۹

انسانی عاقل و باتدبیر راهنمای او شود، مسیر نور و روشنائی نصیب او می‌گردد. در غیر این صورت، از گمراهان خواهد بود. داوری‌های نادان، غلط؛ اظهار نظرهای او، نادرست؛ گفتارش، متناقض و کردارش، نامبارک است. چنین انسانی تا مرز سعادت و نیک‌بختی بسیار فاصله دارد. اگر به سوی بصیرت و دانایی نرود، در دنیا و آخرت چون کوران، خواهد زیست. پیامبر اسلام درباره فقر فرهنگی این افراد می‌فرماید:

يَا عَلِيُّ! إِنَّهُ لَا فَقْرَ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ. (۱)

ای علی! همانا فقری سخت‌تر از نادانی نیست.

بدگویی در غیاب افراد

بدگویی و غیبت از عادت‌های بسیار ناپسند است. شخص بدگو و غیبت‌کننده، در غیاب دیگران درباره آنان سخنانی می‌گوید که ایشان را ناراحت می‌کند. از این رو، همواره از آشکار شدن سخن خود، در رنج

ص: ۴۰

و هراس به سر می‌برد تا مبادا چهره منافقانه‌اش پدیدار شود. این ناپسندترین برخورد با دوستان است که در غیاب آنان، اسرارشان را هویدا کنیم یا به بدگویی از ایشان پردازیم. آیا بهتر نیست که انسان، مراقب کردار خود باشد و به دیگران احترام گذارد تا خود نیز محترم باشد. پیامبر گرامی اسلام درباره معیار غیبت می‌فرماید:

مَا كَرِهَتْ أَنْ تُوَجَّهَ بِهِ إِخَاكَ فَهُوَ غَيْبٌ. (۱)

هر چیزی را که دوست نداری روبه‌روی برادر خویش اظهار کنی، غیبت است.

بدهکاری در اثر قرض‌های نابجا

انسان گاهی در زندگی خود به کمک مالی دیگران نیاز پیدا می‌کند. پس باید نیازهای اساسی خود را از راه «قرض الحسنه» که یک سنت اصیل اسلامی است، برآورده کند. با این حال، متأسفانه بعضی افراد در بسیاری از مسائل جزئی، به سوی این و آن دست

ص: ۴۱

نیاز دراز می‌کنند و در جاهایی که ضرورت چندانی ندارد، خود را مدیون و بدهکار می‌سازند. آدمی باید خویشتن دار باشد و بکوشد مقروض دیگران نشود؛ زیرا ممکن است شخصیت والای انسانی او به دلیل تأخیر در بازپرداخت بدهی خدشه‌دار شود. پیامبر بزرگوار و عزیز اسلام می‌فرماید:

إِيَّاكُمْ وَالَّذِينَ فَإِنَّهُ هُمْ بِاللَّيْلِ وَمَدْلَةٌ بِالنَّهَارِ. (۱)

از قرض کردن بپرهیزید؛ زیرا غم شب و ذلت روز است.

برادران الهی

تنها دوستانی ارزشمندند که انسان را در مسیر صحیح هدایت کنند و از گرداب‌های انحراف، نجات بخشند. چنین دوستانی، حافظ دین و ایمان انسان هستند و او را در گرفتاری‌های زندگی یاری خواهند کرد. باید بکوشیم با افرادی که از کردار و گفتارشان، عطر الهی برمی‌خیزد، طرح دوستی

ص: ۴۲

بریزیم. افزون بر آن، خود نیز باید به اخلاق الهی آراسته باشیم تا در شمار کسانی درآئیم که پیامبر رحمت و مدارا، آنان را می‌ستاید. ایشان می‌فرماید:

خَيْرُكُمْ مَنْ ذَكَرَكُمْ بِاللَّهِ رُؤْيِيَّتُهُ وَ زَادَ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقَهُ وَ رَغَّبَكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ. (۱)

بهترین شما آن کس است که دیدار او، خدا را به یاد شما آورد و سخنانش، بر دانش شما بیافزاید و رفتارش، شما را به آخرت، مشتاق سازد.

بهترین کردار

ترک محرمات و انجام واجبات، راه دست‌یابی به کمال و اطاعت از ذات الهی است. در کنار این اعمال عبادی و دوری از گناهان، آدمی باید قناعت پیشه کند و به روزی تقسیم شده الهی راضی باشد. حرص و طمع از موانع کمال آدمی هستند و انسان کمال‌جو، در دام آنها اسیر نمی‌شود. مگر نه این

ص: ۴۳

است که خداوند پیش از تولد کودک، روزی او را از پیش مهیا ساخته است و در اعماق دریاها و اوج آسمان‌ها هیچ جنبنده‌ای را بی‌غذا رها نمی‌سازد.

پس چگونه انسان مؤمن در غم روزی فرو می‌رود و به هزاران ترفند دست می‌زند تا نصیب و بهره‌ای بیشتر عایدش شود. چگونه خاطر آسوده نداریم و در آرامش نباشیم وقتی که آفریننده‌ای مهربان، ناظر بر احوال بندگان است؟ آیا بهتر نیست که برای دستیابی به زندگی زودگذر، زیر بار منت و تملق نرویم و در هر حال، عزت و کرامت خویش را حفظ کنیم. به راستی که آزادگان از جیفه دنیا و از بند تعلق آزادند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

أَحَبُّ الْعَمَلِ إِلَى اللَّهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: مَنْ آتَى اللَّهَ بِمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ عِبْدِ النَّاسِ وَمَنْ وَرَعَ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ فَهُوَ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ وَمَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَعْنَى النَّاسِ. (۱)

ص: ۴۴

بهترین کارها نزد خدا، سه کار است: انجام دادن واجبات و کسی که واجبات خود را به جا بیاورد، از عابدترین مردم است؛ دوری از گناهان و هر کس از محرمات اجتناب کند، از پارساترین مردم است؛ قناعت به داده خدا و شخصی که به روزی خدا قانع باشد، از بی‌نیازترین مردم است.

بی‌احترامی به والدین

پدر و مادر حق بزرگی بر انسان دارند؛ زیرا حیات و هستی انسان‌ها، مرهون وجود والدین است و خدمات شبانه‌روزی فرزندان نمی‌تواند ذره‌ای از تلاش خالصانه و بی‌دریغ آنان را پاسخ‌گو باشد. چه بسیار ناپسند است اگر انسانی که توان کوچک‌ترین حرکتی را نداشت و با مراقبت و نگه‌داری والدین، به دوران شکوفایی و جوانی رسیده است، با ناسپاسی و نمک‌نشناسی به والدین ناسزا بگوید و مایه رنجش خاطر آنان گردد. ادب و انسانیت اقتضا می‌کند که دست کم اگر نمی‌توانیم تلاش‌های

ص: ۴۵

طاقت‌فرسای آنان را ارج بنهیم، با آزار دادن و بی‌حرمتی به والدین، خود را گرفتار عذاب و نفرین الهی نسازیم. پیامبر رحمت در کلامی گران‌سنگ می‌فرماید:

مَلْعُونٌ مَنْ سَبَّ أَبَاهُ مَلْعُونٌ مَنْ سَبَّ أُمَّهُ. (۱)

کسی که به پدر و مادرش ناسزا گوید، ملعون است.

ص: ۴۷

پ

پرحرفی

انسان‌های پُرگو، مخزن سخنان پوچ و بی‌ارزشند. آنان برای اینکه رشته سخن را از دست ندهند، می‌کوشند بی‌اندیشه و ناسنجیده، مطالبی را بر زبان آورند. بدین ترتیب، شنوندگان نه تنها به سخنان او توجه نمی‌کنند، بلکه با ناراحتی و تنفر، هر لحظه منتظرند که سخنان او پایان پذیرد تا دمی بیاسایند. از آن پس نیز سعی می‌کنند که از هم‌نشینی با او بپرهیزند.

بنابراین، انسان باید در سخن گفتن، اعتدال را رعایت کند تا به لغزش دچار نشود و دل‌زدگی دیگران را فراهم نسازد. پیامبر ارجمند اسلام می‌فرماید:

مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ سَقَطُهُ. (۱)

هر کس کلامش زیاد باشد، لغزشش نیز زیاد می‌شود.

ص: ۴۸

همچنین می‌فرماید:

نَعَمْ الْهَدِيَّةُ الْكَلِمَةُ مِنْ كَلَامِ الْحِكْمَةِ. (۱)

چه نیکو هدیه‌ای است یک گفتار حکمت‌آموز.

پرخوری

بعضی افراد گمان می‌کنند هر چه بر سر سفره گذاشته‌اند، برای مصرف است و با تلاش و اصرار زیاد می‌خواهند آن را میل کنند. در حالی که این کار، سرآغاز بسیاری از بیماری‌ها و بر خلاف توصیه‌های ائمه معصومین علیهم السلام است. آن بزرگواران تأکید دارند پیش از سیری کامل و با وجود داشتن اشتها به غذا، از سر سفره برخیزید. بسیاری از اوقات، با اینکه پزشکان، افراد را از خوردن غذای بیش از حد منع می‌کنند، باز می‌بینیم که آنان نمی‌توانند از اشتهای کاذب خود جلوگیری کنند. در نتیجه، به بیماری‌های دیگری دچار می‌شوند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در بیان

ص: ۴۹

زیان‌های پرخوری می‌فرماید:

مَنْ قَلَّ طَعْمُهُ صَحَّ بَدَنُهُ وَ مَنْ كَثُرَ طَعْمُهُ سَقُمَ بَدَنُهُ وَ قَسَا قَلْبُهُ. (۱)

هر کس کم بخورد، بدنش سالم می‌ماند و هر کس زیاد بخورد، بدنش بیمار و قلبش پر قساوت خواهد شد.

پر خوری و سخت دلی

کسانی که به پر خوری عادت دارند، از کارهای عبادی و وظایف معنوی خود باز می‌مانند؛ زیرا پر خوری، امکان هر گونه فعالیت را از آنان می‌گیرد.

در این صورت، به تدریج در چنگال انواع بیماری‌های جسمی و روحی گرفتار می‌شوند و سلامتی خود را از دست می‌دهند. نبود سلامتی نیز قدرت اندیشیدن را از آنان می‌گیرد. افزون بر این، ممکن است بعضی افراد، برای سیر کردن خود، به هر حلال و حرامی پناه ببرند. بدین ترتیب باید منتظر عذاب الهی باشند. پیامبر اسلام می‌فرماید:

ص: ۵۰

مَنْ تَعَوَّدَ كَثْرَةَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ قَسَا قَلْبُهُ. (۱)

هر کس به پرخوری عادت کند، سخت دل می‌شود.

پرده‌پوشی

چون انسان معصوم نیست، ممکن است در طول زندگی مرتکب گناه یا اشتباهی شود که هر چند از نظر گاه الهی دور نمی‌ماند، ولی دوست ندارد اسرارش در بین مردم، آشکار و رسوای عام و خاص شود. بنابراین، اگر انسان از اعمال پنهانی کسی آگاه شود، اجازه ندارد آن را آشکار کند؛ زیرا سبب لکه‌دار شدن حیثیت و آبروی آن فرد می‌شود و چه بسا وی گستاخ‌تر شود و حتی آشکارا به کارهای بدتر دست یازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حفظ اسرار دیگران می‌فرماید:

لَا تَخْرِقَنَّ عَلَيَّ أَحَدٌ سِتْرًا. (۲)

هرگز پرده اسرار دیگران را ندرید.

۱- نهج الفصاحة، ش ۲۷۷۶

۲- همان، ش ۲۴۳۱

ص: ۵۱

پرسش قیامت

یکی از نام‌های قیامت، «یوم الحساب» است. در این روز، انسان باید پاسخ گوی گفتار و رفتار خود باشد، هرچند خداوند از نهران و پنهان ما آگاه است. در این روز، از سرمایه عمر انسان می‌پرسند و از اینکه عمر گران‌مایه را در چه راهی به کار گرفته است. از بهترین دوران عمر که می‌تواند بار و بنه فراوان برچیند (یعنی جوانی) می‌پرسند که چگونه از بهار عمر، بهره‌برداری کرده است. از مالش می‌پرسند که آن را از چه راهی به دست آورده و در چه طریقی مصرف کرده است. در پایان نیز می‌پرسند که آیا عشق و محبت اهل بیت علیهم السلام را در تار و پود وجود خود تنیده یا از آن فاصله گرفته و جاده گمراهی را پیموده است. به هر حال، سعادت و شقاوت هر کس در گرو پاسخی است که در چننه دارد. پیامبر خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبَدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ

ص: ۵۲

ارْبَعٍ: عَنْ عُمَرَةَ فِيمَا أَفْنَاهُ وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَا ابْلَاهُ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَا انْفَقَهُ وَعَنْ حُبِّنا أَهْلِ الْبَيْتِ. (۱)

روز قیامت، هیچ بنده‌ای قدم از قدم بر نمی‌دارد تا اینکه چهار چیز از او پرسیده شود:

از عمرش که در چه کاری آن را گذرانده است؛ از جوانی‌اش که در چه کاری آن را صرف کرده است؛ از مالش که آن را از کجا به دست آورده و در چه موردی خرج کرده است و از محبت ما اهل بیت.

پرسش‌گری

اساساً هر پرسشی که از اهل آن پرسیده شود، بر دانسته‌های آدمی افزایش و درجه‌ای هم نزد خالق هستی می‌یابد. اگر انسان رنج پرسیدن را بر خود هموار کند، در پرتو نور و روشنایی دانش، آرامش می‌یابد. پرسیدن، عیب نیست و چیزی از مقام و

ص: ۵۳

مرتبه او نمی‌کاهد، بلکه ندانستن، عیب است. آدمی هیچ‌گاه نباید به خاطر حیای نابجا، لذت دانستن را از دست بدهد. پس شایسته است در هر موقعیتی، پرسش‌های خود را با عالمان مطرح کنیم.

پرسش می‌تواند منشأ علم و کمال شود و اسلام هم همگان را به پرسشگری فرا می‌خواند، ولی پرسش‌های نهفته در ذهن آدمی، کارگشا نیست.

عیب‌های آدمی با پرسشگری رفع و با هر پرسشی، گنجینه دانش دانشمندان به سوی دیگران گشوده می‌شود و آنان شایسته برخورداری از پاداش معنوی می‌شوند. چه بسا افراد دیگری نیز همین پرسش را دارند که با پاسخ عالم، جان خویش را از جام دانش سرشار می‌سازند. بر این اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ تُؤَجَّرُ أَرْبَعَةٌ: السَّائِلُ وَالْمُتَكَلِّمُ وَالْمُسْتَمِعُ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ. (۱)

ص: ۵۴

دانش، گنجینه‌ها و پرسیدن کلیدهای آنها است. پس پرسید. خدا رحمت کند شما را؛ زیرا در این بین، چهار نفر پاداش می‌برند: پرسنده، پاسخ‌گو، شنونده و دوستدار آن.

پرهیز از نجوا

اگر خواستید سخنی خصوصی را به کسی بگویید، سعی کنید گفت‌وگوی تان در حضور دیگران، نجواگونه نباشد؛ زیرا در این حالت، اطرافیان می‌پندارند درباره آنان صحبت می‌کنید یا اینکه شما، آنان را غریبه فرض کرده و سخن تان را با ایشان در میان نگذاشته‌اید. در نتیجه، بدگمانی پدید می‌آید و رشته محبت و دوستی از هم گسیخته خواهد شد. شایسته است از گفت‌وگوهای خصوصی در حضور دیگران پرهیزیم تا زیان‌های روحی به دیگران وارد نیاید. پیامبر گرامی اسلام نیز در هشدار می‌فرماید:

اِذَا كَانُوا ثَلَاثَةً فَلَا يَتَنَاجَى إِثْنَانِ دُونَ الثَّلَاثِ. (۱)

ص: ۵۵

وقتی سه تن با هم هستند، دو نفرشان جدا از سومی نجوا نکنند.

پشتکار

بعضی افراد با اینکه هوش و استعداد کافی دارند و زمینه‌های رشد و تعالی نیز برای آنان فراهم است، ولی پیشرفت چندانی ندارند. این ناکامی بیشتر به دلیل نداشتن همت و پشتکار کافی است. در مقابل، افراد بی‌استعدادی را می‌بینیم که با پشتکار و تلاش و پی‌گیری همه جانبه به بهترین موفقیت‌ها دست می‌یابند. باری، آدمی با پشتکار می‌تواند بسیاری از ضعف‌ها و ناتوانی‌های خود را جبران کند و به پیروزی‌های عالی دست یابد. رسول الله صلی الله علیه و آله در تشویق به پی‌گیری و تلاش می‌فرماید:

مَنْ يُدِمُّ قَرَعَ الْبَابِ يُوشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لَهُ. (۱)

هر کس به کوفتن در ادامه دهد، در را به سوی

ص: ۵۶

او بگشایند.

پناهگاه نیازمندان

بعضی از انسان‌ها نزد مردم جایگاهی بس ارزشمند دارند و مردم در رفع مشکلاتشان به سوی آنان می‌شتابند. این توفیقی ربّانی است که شامل حالشان شده است تا گشایشگر گره‌های کور زندگی دیگران باشند. زمانی که به این اشخاص مراجعه می‌کنیم، با نهایت احترام و عزّت با دیگران برخورد می‌کنند، به گونه‌ای که فرد احساس حقارت نمی‌کند، بلکه آنان را چون برادرانی مهربان می‌بیند. این بزرگواران، بی‌اعتنا از کنار مشکلات دیگران نمی‌گذرند، بلکه خود به سویشان می‌شتابند و رنج سؤال را از دوش آنان برمی‌دارند. آنان از کمک به دیگران شادمانند و رفع خواسته‌های دیگران را تحفه‌ای رحمانی می‌شمارند. چه سعادت‌ی از این بهتر که آدمی، پناه‌گاهی برای دیگران باشد؛ تکیه‌گاهی مطمئن که خود به پناه‌گاهی قدرتمند پیوسته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره چنین انسان‌هایی می‌فرماید:

إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَفْرَعُ إِلَيْهِمُ النَّاسُ فِي حَوَائِجِهِمْ، أَوْلَيْكَ هُمْ أَلَا مُنُونَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ يَوْمَ

ص: ۵۷

الْقِيَامَةِ. (۱)

خداوند بندگان دارد که مردم در نیازمندی‌ها و مشکلاتشان به آنان مراجعه می‌کنند و پناه می‌برند. آنان در روز قیامت از عذاب خدا ایمن هستند.

پندآموزی از درگذشتگان

رفتن به گورستان و اندیشیدن درباره فرجام کار، انسان را متوجه سرنوشت آینده خود می‌کند و با اندکی تأمل، پی می‌برد که دوران خوشی‌ها و ناخوشی‌ها به سرعت ابر و باد در گذر است. باری، آنچه انسان را به سعادت و سربلندی می‌رساند، رفتار نیک اوست. پس نیکوست که از گذر ایام و سرگذشت مسافرانی که به سرای آخرت شتافته‌اند، عبرت گیریم و خود را برای این سفر خطیر آماده کنیم. پیامبر بزرگوار اسلام درباره اهمیت پندآموزی از درگذشتگان می‌فرماید:

أَطْلِعْ فِي الْقُبُورِ وَاعْتَبِرْ بِالنُّشُورِ. (۲)

در قبرها بنگر و از روز رستاخیر پند بگیر.

۱- تحف العقول، ص ۵۲

۲- نهج الفصاحه، ش ۳۳۰

ص: ۵۸

پند و اندرز

هیچ کس نباید خود را از نصیحت بی‌نیاز بداند. چه بسا بزرگانی که به دلیل بی‌توجهی، دچار لغزش می‌شوند، به راهنمایی نیاز دارند. در حکومت اسلامی، مسئولان ارشد و عالی رتبه نیز باید خود را از اشتباه مصون ندانند و در همه حال، پذیرای راهنمایی اهل منطق باشند. همچنین اگر مردم، سیاست‌مداران یا حاکمان خود را در لغزش و اشتباه ببینند، باید به نصیحت آنان پردازند. بنابراین، همگان وظیفه دارند تا با نصیحت یکدیگر، راه از چاه باز شناسند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

اِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ نُصْحًا فِي نَفْسِهِ فَلْيَذْكُرْهُ لَهُ. (۱)

اگر کسی برای برادر خود نصیحتی در خاطر می‌یابد، باید به او بگوید.

ص: ۵۹

ت

تأخیر در انجام کار

یکی از ویژگی‌های انسان‌های سست اراده این است که با وجود آگاهی از ارزش فرصت‌های زمانی، انجام کارها را به فردا حواله می‌دهند و گاهی تا هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌ها از انجام آن خودداری می‌کنند. تأخیر در کار، هیچ توجیهی ندارد و در پایان نیز خود وی زیان می‌بیند؛ زیرا فرصت‌ها هیچ‌گاه تکرار نمی‌شود. گاهی هم کارها چنان انباشته می‌شود که به هیچ وجه نمی‌توان آنها را انجام داد. بر این اساس، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توصیه‌ای نیکو می‌فرماید:

لا تَدْعَنَّ حَقًّا لِعَدِّ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ. (۱)

کاری را برای فردا مگذار؛ زیرا هر روزی را کاری هست.

ص: ۶۰

تحقیر دیگران

هر انسانی برای خود احترام قائل است و هرگز نمی‌خواهد دیگران، او را تحقیر کنند. چگونه انسان مسلمان حاضر می‌شود روح و روان برادر دینی خود را آزرده سازد؟ به راستی، انسانی که شخصیت والا- و روحی لطیف و پاک دارد، هرگز حاضر نیست به دیگران اهانت کند و آنان را بی‌ارزش و حقیر سازد. چنین کاری، مخالفت صریح با دستور پیامبر اسلام است که می‌فرماید:

أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ. (۱)

خوارترین مردم کسی است که به مردم اهانت کند.

تدبیر و خویشن‌داری

انسان در صورت از دست دادن روحیه خود، روز به روز و لحظه به لحظه در منجلاب تباهی‌ها فرو خواهد رفت. بی‌تردید، اگر انسان به خود تلقین کند

ص: ۶۱

که نیروی فوق‌العاده‌ای دارد و می‌تواند با تلاش و پشتکار و همت بلند خویش بر ناکامی‌ها چیره شود، به پیروزی‌های چشم‌گیری دست خواهد یافت.

برعکس، اگر خود را کوچک شمارد، در برابر کوچک‌ترین مشکلی، تاب مقاومت را از دست می‌دهد و شکست را پذیرا خواهد شد. پس بکوشیم به کمک همت بلند انسانی، با نابسامانی‌ها و حوادث به مبارزه برخیزیم و خویشتن‌دار باشیم. پیامبر گرامی اسلام در این باره فرموده است:

لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ وَلَا وَرَعَ كَالْكَفِّ. (۱)

عقلی، مانند تدبیر و تقوایی چون خویشتن‌داری نیست.

ترویج فساد

بنیان‌گذار هر مکتب و ایده‌ای، عامل اساسی در ترویج آن سنت و ایده است. چه بسا کسانی که مکتبی را تأسیس و در طول تاریخ، افراد زیادی از آن

ص: ۶۲

مکتب پیروی می‌کنند. این اشخاص ممکن است سنت نیکویی را پایه‌گذاری کنند یا راه غلطی را به دیگران رهنمون شوند. بی‌شک، هر ایده‌پردازی به پیروانی نیاز دارد که افکار او را تبلیغ کنند و آن را در میان مردم رواج دهند. افرادی که فکر نادرست یا کردار زشتی را در میان دیگران رواج می‌دهند، در فرهنگ‌سازی غلط، نقش فراوانی دارند. آنها می‌کوشند تا روز به روز افراد دیگری را در مسیر راه و رسم نادرست هم‌فکران خود قرار دهند و آنان را از جاده سلامت خارج سازند. اگر نبود تلاش‌های این افراد، هیچ‌گاه آن‌گونه که باید و شاید، آن ایده یا فکر نادرست در میان دیگران نهادینه نمی‌شد. پس اگر بنیان‌گذار مکتب انحرافی، گناه‌کار است، ترویج‌گران این ایده‌ها نیز بخشی از مسئولیت و بار گناهان را بر دوش می‌کشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ اِذَاعَ فَاِحِشَةً كَانَ كَمُتَّبِعِهَا. (۱)

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۶

ص: ۶۳

کسی که گناهی را انتشار دهد، مانند کسی است که آن را ایجاد کرده باشد.

تظاهر به گناه

گناهی که انسان آشکارا و در حضور دیگران مرتکب می‌شود، مستوجب مجازات بیشتری خواهد بود؛ زیرا این کار به معنای بی‌اهمیت دانستن دستورهای الهی و پشت پا زدن به آنهاست. تظاهر به گناه، حیا و عفت عمومی را خدشه‌دار می‌کند و سبب می‌شود تا دیگران برای انجام گناه گستاخ شوند. در نتیجه، میزان گناه و فساد در جامعه افزایش می‌یابد و محیط پاک و سالم جامعه اسلامی آلوده می‌شود. پیامبر گرامی اسلام درباره نکوهش این ناهنجاری می‌فرماید:

كُلُّ أُمَّتِي مُعَافِي إِلَّا الْمُجَاهِرِينَ. (۱)

همه امت من بخشیده خواهند شد مگر تظاهرکنندگان به گناه.

تظاهر و ریا

ریا، نوعی بیماری است که بعضی از مردم به آن دچار هستند. این افراد در هر کار خیری و در هر عمل مفیدی، به ریا و تظاهر عادت دارند. اینان اگر بدانند در کاری، نام و نشانی از آنها نیست و تعریف و تمجیدی نمی‌شوند، از انجام آن سر باز می‌زنند. این انسان‌های متظاهر، خواه ناخواه در اجتماع شناخته می‌شوند و مردم به نیت‌شان پی می‌برند. آنان عبادت‌ها و رفتارهای خیر خود را به دلیل تظاهر، باطل و بی‌ارزش می‌کنند. در مقابل، شخص با ایمان، با اخلاص کامل، عملش را برای رضای خدا انجام می‌دهد و انتظار تشکر از سوی مردم را ندارد؛ زیرا پاداش الهی، بزرگ و بی‌پایان است. وی به روزی چشم دوخته است که مال و فرزند و متاع دنیوی فایده‌ای ندارد و اخلاص، گشاینده بسیاری از درهای بسته به روی او خواهد بود. بنابراین، کردار نیک خود را با ریا به

ص: ۶۵

هدر نمی‌دهد. اگر هم نیت بدی از دلش گذشت، به فکر چاره می‌افتد تا خود را از این بیماری مهلک برهاند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشانه ریاکار را چنین برمی‌شمارد:

لِلْمُرَائِي ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَنْشَطُ إِذَا كَانَ عِنْدَ النَّاسِ وَيَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَيُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ. (۱)

شخص ریاکار سه نشانه دارد: وقتی که میان مردم است، با نشاط است؛ هنگامی که تنهاست، کسل است و دوست دارد که در همه کارها از او ستایش شود.

تلاوت قرآن

آدمی در طول زندگی و در رویارویی با مسائل گوناگون مادی به زنگارها و آلودگی‌هایی دچار می‌شود که برای زدودن آن، به تصفیه روحانی نیاز دارد. یکی از بهترین راه‌های تصفیه ناخالصی‌ها،

ص: ۶۶

تلاوت قرآن است. قرآن، گوهر گران‌بهایی است که با هر چه برخورد کند، به آن رنگ‌ خدایی می‌دهد و ناخالصی‌ها را به نورانیت و صفا تبدیل می‌کند. در حقیقت، کلام قرآن، معجون شفابخش و داروی هر دردی است که خدای بزرگ، آن را برای تصفیه دل‌های بیمار قرار داده است. با شنیدن آیات الهی، نورانیت به قلب انسان وارد می‌شود و معنویت خاصی، سراسر وجود آدمی را فرا می‌گیرد و احساس آرامش و آسایش به او دست می‌دهد. پس بیایم ساعتی از شب یا روز را به این مهم اختصاص دهیم که پیامبر اسلام فرموده است:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصْدَهُ كَمَا يَصْدُهُ الْحَدِيدُ. قِيلَ فَمَا جَلَاءُهَا؟ قَالَ: ذِكْرُ الْمَوْتِ وَ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ. (۱)

دل‌ها مانند آهن زنگ می‌زند. گفتند: «صیقل آن چیست؟» گفت: «یاد مرگ و خواندن قرآن».

ص: ۶۷

تنفر از گناه

ممکن است انسان بر خلاف میل خود ناگزیر شود در محل معصیت یا جایی که گروهی در آنجا گناه می‌کنند، حضور یابد. در چنین شرایطی، اگر احساس ناراحتی به او دست دهد و مایل باشد که هر چه زودتر آنجا را ترک گوید، باید به خود و ایمانش امیدوار باشد، ولی اگر از بودن در آنجا احساس ناراحتی نمی‌کند و چه بسا با آنان هم‌گام شود یا در درون خود خوشحال است، باید به حال خود متأسف باشد. باید بدانیم اگر شخصی در جمع معصیت‌کاران باشد و از این توقف احساس ناراحتی کند، مانند کسانی است که در آن شرکت نداشته‌اند. برعکس، اگر قلب و فکر او، با مجالس لهو و لعب باشد و از حضور در آن احساس شادمانی کند، مانند حاضران در آن است. پیامبر ارجمند اسلام می‌فرماید:

مَنْ حَضَرَ مَعْصِيَةً فَكَرِهَهَا فَكَأَنَّمَا غَابَ عَنْهَا وَ

ص: ۶۸

مَنْ غَابَ عَنْهَا فَرَضِيهَا فَكَأَنَّهُ حَضَرَهَا. (۱)

هر کس ناظر گناهی باشد و از آن متنفر شود، مانند کسی است که در آنجا نیست و هر کس در محل گناه نباشد و از آن راضی باشد، مانند کسی است که در آنجا حضور دارد.

توکل به قدرت الهی

انسان از نظر جسمانی، از بسیاری موجودات دیگر ضعیف‌تر است، ولی از نظر قدرت اراده و استعداد، اشرف مخلوقات است. همین قدرت روحی سبب شده است تا خداوند، موجودات دیگر را به تسخیر او درآورد. انسان با قدرت اراده، زمین و آسمان و آنچه را در آن وجود دارد، تا حدودی به سیطره خود درآورده است. آن گاه که انسان به قدرت بی‌پایان الهی می‌پیوندد و پای خود را از محدوده زندگی مادی فراتر می‌نهد، این توانایی افزایش می‌یابد. در این حال، خود را از هر چیز جز قدرت الهی بالاتر

ص: ۶۹

می‌بیند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توجه دادن و پیوند داشتن به این رشته مستحکم الهی می‌فرماید:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. (۱)

هر کسی دوست دارد از همه مردم قوی‌تر باشد، باید به خدا توکل کند.

تهمت دزدی

بعضی مال‌باختگان پس از دزدیده شدن اموالشان، به هر کس بخواهند تهمت می‌زنند. آنان بدون تحقیق کافی و استدلال منطقی، بی‌درنگ دادگاه غیابی تشکیل می‌دهند و آبروی دیگران را بر باد می‌دهند، در حالی که هتک حیثیت یک انسان آبرومند در دید شرع و عرف خطاست. آبروی افراد نباید بازیچه پندارهای ناصواب ما شود. پس در چنین مواردی، فرد باید تعادل روحی خود را حفظ کند و اگر دلیل و مدرک مستندی دارد، به دادگاه صالح مراجعه کند، نه

ص: ۷۰

اینکه با هیا هو، حقوق دیگران را پای مال سازد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نکوهش چنین رویه‌ای می‌فرماید:

لَا يَزَالُ الْمَسْرُوقُ مِنْهُ فِي تُّهْمِهِ مَنْ هُوَ بَرِيٌّ مِنْهُ حَتَّىٰ يَكُونَ أَكْبَرُ جُرْمًا مِنَ السَّارِقِ. (۱)

دزد زده کسانی را که از دزدی بی‌خبرند، آن قدر تهمت می‌زند که گناهِش از خود دزد بیشتر خواهد شد.

ص: ۷۱

ث

ثروت‌مندان بی تفاوت

ثروت‌مندان در برابر درماندگان وظیفه سنگینی بر عهده دارند و نباید به بهانه‌های واهی از این تکلیف الهی - وجدانی شانه خالی کنند. اگر هم نمی‌خواهند به دیگران کمک کنند، با برچسب‌هایی همچون دروغ گو، دارا، شیاد، کلاه‌بردار، تنبل و مانند آن، دیگران را نرنجانند. توانگران نباید به ثروت‌های بی‌شمار خود مغرور شوند. چه بسا ممکن است در حادثه‌ای، همه دارایی‌شان را از دست بدهند یا به دلیل بیماری و از دست دادن سلامتی، هیچ یک از سرمایه‌های دنیایی برایشان سودمند نیافتد. آیا بهتر نیست به شکرانه بازوی توانا و دارایی خدادادی، به یاری ناتوانان بشتابند و بدانند که این گونه اعمال نه تنها از ثروت‌شان نمی‌کاهد، بلکه خوش‌نامی دنیا و آخرت را برایشان به ارمغان می‌آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ص: ۷۲

در نکوهش ثروت‌مندان بی‌تفاوت می‌فرماید:

وَيْلٌ لِلْأَغْنِيَاءِ مِنَ الْفُقَرَاءِ. (۱)

وای بر توانگران [به دلیل رسیدگی نکردن به] نیازمندان.

۱- همان، ش ۳۱۸۷

ص: ۷۳

ج

جبران نیکی

پاسخ دادن به احسان دیگران، نشانه ادب و بزرگی آدمی است، ولی شیوه پاسخ گویی به توان آدمی بستگی دارد. اگر کسی می‌تواند، به هدایای مالی مردم پاسخ مالی بدهد، نباید از آن دریغ ورزد. اگر هم توانایی این کار را نداشت، باید قدردانی و سپاس‌گزاری خود را حتی با زبان و سخن ابراز کند.

چنین پاسخی بازتاب‌های خوبی هم برای خود فرد و هم برای هدیه‌دهنده در پی دارد. سپاس‌گزار با این کار، احساس سبکی و آرامش می‌کند و احسان‌کننده نیز به کار خیر تشویق می‌شود. به طور کلی، باید دانست کسی که از خوبی‌های دیگران سپاس‌گزاری نکند، در مقابل نعمت‌های بی‌شمار الهی نیز زبان به قدردانی نمی‌گشاید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره دستورالعمل ویژه‌ای صادر کرده است:

ص: ۷۴

مَنْ آتَى الْيَكْمَ مَعْرُوفًا فَكَافُوهُ، فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَأَثِّبُوهُ فَإِنَّ الثَّنَاءَ جَزَاءٌ. (۱)

کسی که به شما احسان کرد، آن را جبران کنید و اگر نتوانستید، تشکر کنید؛ زیرا سپاس‌گزاری، پاداش و جبران به شمار می‌آید.

جدال همیشگی

بعضی افراد همیشه در فکر جدال و با دیگران در حال ستیزند و به بهانه‌های واهی، محیط امن خانواده را به صحنه‌های جنگ و جدال تبدیل می‌کنند. از همه بدتر اینکه حتی با خود نیز درگیرند و همیشه زیرلب غرولند می‌کنند. رفتار و گفتار آنان نشان می‌دهد که در درون خویش با کسی، درگیری لفظی یا فیزیکی دارند. اینان در خواب آرامش ندارند و با داد و قال‌های کذایی از خواب می‌پرند و عرصه را بر خود و همگان تنگ می‌کنند. این افراد تعادل روحی ندارند. اطرافیان باید با کمک

ص: ۷۵

همدیگر، از انجام دادن کارهایی که آنان را تحریک می‌کند، پرهیز کنند. پیامبر گرامی اسلام، جدال همیشگی را مردود شمرده است و می‌فرماید:

كَفَى بِكَ إِثْمًا أَنْ لَا تَزَالَ مُخَاصِمًا. (۱)

همین گناه تو را بس که پیوسته در حال ستیزه‌جویی باشی.

جلب اعتماد مردم

بعضی‌ها آن قدر پاک و با ایمانند که دیگران در امور دین و دنیای خود به آنان اعتماد می‌کنند و در گرفتاری‌ها و سختی‌ها، آنان را پشتوانه خویش می‌دانند. بسیار نیکوست که انسان به چنان مرتبه والایی دست یابد که دیگران او را مایه دلگرمی خود بشمارند و اسرار و درخواست‌های خود را با او در میان بگذارند. چنین فردی که برای وجدان و شرافت انسانی احترام قائل است، در هیچ حالی، ارزش‌های معنوی خویش را فدای خواسته‌های زودگذر دنیوی

ص: ۷۶

نمی‌کند. به یقین، خداوند به این افراد که پناه‌گاه و تکیه‌گاه مردمند، نظر لطف دارد و آنان را مشمول رحمت خویش قرار می‌دهد. پیامبر اسلام، اعتماد مردم را مایه خوشبختی انسان می‌داند و می‌فرماید:

كَفَى بِالْمَرْءِ سَعَادَةً أَنْ يُوثِقَ بِهِ فِي أَمْرِ دِينِهِ وَدُنْيَاةً. (۱)

در خوشبختی مرد همین بس که در کار دین و دنیایش به او اعتماد کنند.

جلب رضایت الهی

اگر انسان تشخیص دهد که کاری مورد رضایت الهی است، باید با تمام توان در انجام آن بکوشد، هر چند دیگران را ناخوش آید. حتی اگر دیگران به او اعتراض کنند، وی نباید در انجام وظیفه کوتاهی کند. آنچه اهمیت دارد، ترجیح دادن رضایت الهی بر رضایت بندگان است. چنین کرداری از اعتقاد عمیق و ایمان راسخ انسان‌های وارسته ریشه می‌گیرد که

ص: ۷۷

دنیا را بسیار ناچیز و هر حب و بغضی را در برابر خشم و رضای الهی ناپایدار می‌دانند. جلب رضایت الهی از توصیه‌های پیامبر گرامی اسلام است. ایشان می‌فرماید:

مَنْ اِلْتَمَسَ رِضَى اللّٰهِ بِسَخَطِ النَّاسِ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ (۱)

هر کس رضای خدا را بر خشم مردم ترجیح دهد، خداوند از او راضی می‌شود

جواب نامه

بعضی افراد در پاسخ دادن به نامه دوستان و آشنایان درنگ می‌کنند یا نامه را برای زمانی طولانی یا برای همیشه بی‌پاسخ می‌گذارند. وقتی کسی نامه‌ای می‌نویسد، در انتظار پاسخ است و پاسخ ندادن، نوعی سهل‌انگاری و بی‌توجهی به نویسنده نامه است. چه بسا در نامه درخواستی داشته باشد که با

ص: ۷۸

پاسخ گویی به آن، تکلیف کار معلوم شود و فرد بتواند خواسته خود را از راه دیگری تأمین کند. بر این اساس، پیامبر اسلام می‌فرماید:

أَنَّ لِيْجَوَابِ الْكِتَابِ حَقًّا كَرَدُ السَّلَامِ. (۱)

به درستی که پاسخ نامه لازم است، همان گونه که پاسخ سلام واجب است.

۱- همان، ش ۸۸۰

ص: ۷۹



چشم داشتن به مال دیگران

چه خوب است که انسان به فکر کار خویش باشد و فکر و ذهنش را به کار و مال دیگران ندوزد؛ زیرا این کار، نه تنها سودی برای وی ندارد، بلکه سبب اختلال روحی او می‌شود و از وقت و انرژی او می‌کاهد. بدین ترتیب نیرویی را که می‌تواند در توسعه زندگی خود به کار گیرد، در خیال‌ها و اوهام هزینه می‌کند. موضوع اینکه فلانی چه می‌کند، چه معامله‌ای انجام داده، چقدر سود برده و چقدر مال و منال اندوخته است، نه تنها فایده‌ای ندارد، بلکه مایه نگرانی فرد می‌شود و گاهی درصدد مقایسه برمی‌آید. گاهی هم دچار تردید در روزی‌رسانی خداوند می‌شود و به همین سبب، خود و دیگران را سرزنش می‌کند. رسول الله صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

مَنْ مَدَّ عَيْنَيْهِ إِلَى مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ مِنْ

ص: ۸۰

دُنْيَاهُمْ طَالَ حُزْنُهُ وَ سَخَطَ مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ مِنْ رِزْقِهِ وَ تَنَعَّصَ عَلَيْهِ عَيْشُهُ. (۱)

کسی که به مال و منال مردم چشم داشته باشد، غم و اندوه او طولانی می‌شود و از رزقی که خدا برای او مقرر فرموده است، خشم‌ناک می‌گردد و زندگی برای او تیره می‌شود.

۱- تحف العقول، ص ۵۱

ص: ۸۱

ح

حفظ آبرو

آبرو برای هر انسانی مسئله با اهمیتی است که برای حفظ آن حاضر است جان خود را فدا کند. آبروی انسان، بزرگ‌ترین تکیه‌گاه شخصیت اوست، ولی متأسفانه در بعضی موارد، بجا یا نابجا، چنان آبروی افراد بر باد می‌رود که تا پایان عمر از زیر بار سنگین بی‌آبرویی خارج نمی‌شوند. در این حال فکر می‌کنند همه حیثیت آنان لکه‌دار شده است و زبانشده خاص و عام گشته‌اند. به این دلیل از ارتباط با مردم دست می‌کشند و خود را از دیگران پنهان می‌سازند.

چه پسندیده است حتی در مواردی که فرد، اشتباهی انجام داده است، گونه‌ای با او رفتار شود که آبرویش محفوظ بماند. به یقین، اگر کسی، حیثیت بی‌گناهی را بی‌دلیل لکه‌دار کند، خود نیز به خواری خواهد افتاد. پیامبر بزرگوار اسلام درباره حفظ آبروی

ص: ۸۲

برادران دینی می‌فرماید:

مَنْ رَدَّ عَنْ عِرْضِ أَخِيهِ رَدَّ اللَّهُ عَنْ وَجْهِ النَّارِ. (۱)

خدا، آتش را از چهره کسی که از آبروی برادر دینی خویش دفاع کند، باز می‌دارد.

حق‌کشی

برخی افراد، تنها و تنها به منافع خویش می‌اندیشند و برای به دست آوردن سود بیشتر می‌کوشند از راه‌های گوناگون، اموال و حقوق دیگران را از چنگ آنان بیرون آورند. این افراد، گاهی مستقیم و زمانی غیرمستقیم، برای اجرای این مقاصد شوم، نقشه‌های گوناگونی طرح می‌کنند تا صاحب حق را به چشم‌پوشی از حق خویش وادار کنند. طول دادن، امروز و فردا کردن و به تأخیر انداختن حق یا کار مردم به منظور خسته کردن و گذشتن از حق خویش

ص: ۸۳

از این نقشه‌های فریب کارانه به شمار می‌رود. پیامبر گرامی اسلام در نکوهش این عمل ناپسند می‌فرماید:
 وَيْلٌ لِّمَنْ اسْتَطَالَ عَلَىٰ مُسْلِمٍ فَأَتْتَقَصَّ حَقَّهُ. (۱)
 وای بر کسی که حق مؤمنی را به تدریج می‌خورد.

حل اختلاف

رفع اختلاف، از بهترین کارهایی است که مورد رضای خداوند و مخلوقات اوست. این اختلاف‌ها ممکن است در سطح خانواده به وجود آید که اگر ریشه‌دار شود، سبب از میان رفتن بنیان‌های خانوادگی می‌گردد. چنانچه اختلاف در سطح اجتماع باشد، زیان‌های آن به مراتب بیشتر است.
 البته گاهی طرفین دعوا از کرده خود پشیمان می‌شوند و انتظار دارند کسی با میانجی‌گری، آنان را آشتی دهد و محبت و مودت پیشین را به آنان

ص: ۸۴

باز گرداند. رسول گرامی اسلام در این باره می‌فرماید:

أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ (۱)

بهترین صدقه، اصلاح و آشتی میان دو نفر است.

حلال و حرام

برخی می‌پندارند برای رسیدن به مقام‌های معنوی، باید بسیاری از نعمت‌های پروردگار را بر خود حرام کنند و از آنها بهره نگیرند. از این رو، می‌کوشند با پرهیز از خوردنی‌ها و نعمت‌های گوناگون خداوند، بر خود و خانواده خویش، سخت‌گیری کنند. چنین رفتاری، آنان را به مراتب قرب معنوی نمی‌رساند، بلکه به چاه کفران و گمراهی درخواهد افکند. رشد مادی و معنوی، به سلامت مزاج و روح آدمی بستگی دارد و این مسئله، هنگامی برای او فراهم می‌آید که در مسیر طبیعی و در چارچوب حلال و حرام الهی، گام بردارد. سخت‌گیری بی‌مورد، روح و

ص: ۸۵

جسم انسان را بیمار و به کسالت و ملال دچار می‌کند. در نتیجه، پیمودن مسیر تعالی بر او ناممکن می‌شود. پیامبر رحمت در تشبیه هشدار دهنده‌ای می‌فرماید:

إِنَّ مُحَرَّمَ الْحَلَالِ كَمُحَلِّلِ الْحَرَامِ. (۱)

کسی که حلال خدا را حرام می‌کند، مانند کسی است که حرام خدا را حلال می‌کند.

حیا و ایمان

حیا با فلسفه وجودی انسان، پیوندی دیرینه دارد. از نظر اسلام کسی که حیا ندارد، دین ندارد؛ زیرا دین می‌کوشد تا انسان، به اخلاق و رفتار انسانی آراسته شود، در حالی که شخص بی‌حیا، از این هدف فرسنگ‌ها فاصله دارد. البته حیا به این معنا نیست که انسان به گونه‌ای سر به زیر باشد که در هر جا فریب بخورد یا توان پرسش از مشکلات خود را نداشته باشد یا نتواند از حقوق خود پاسداری کند. اسلام

ص: ۸۶

چنین حیایی را مردود می‌شمارد. انسان با حیا کسی است که در گفتار و کردار، ادب و نزاکت را رعایت و در زمان مناسب، از منافع دنیوی و اخروی خود دفاع کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله:

الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ قُرْنَانِ جَمِيعًا فَإِذَا رُفِعَ أَحَدُهُمَا رُفِعَ الْآخَرُ. (۱)

حیا و ایمان قرین یکدیگرند. وقتی یکی رفت، دیگری هم خواهد رفت.

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۴۲۹

ص: ۸۷

خ

خبر ناموثق

بعضی افراد به محض اینکه خبری را شنیدند، بدون آگاه شدن از درستی یا نادرستی اش، آن خبر را برای دیگران نقل می‌کنند و به گونه‌ای رفتار می‌کنند که انگار خود شاهد ماجرا بوده‌اند و این کار در پیش دیدگان‌شان انجام شده است. این کار، نشانه بی‌توجهی و بی‌دقتی گوینده است و شاید سبب پیدایش اختلاف یا ریختن آبروی دیگران شود. اگر واقعی نبودن خبر آشکار شود، گوینده، احترام و اعتبار خود را نزد دیگران از دست می‌دهد و از آن پس، مردم حتی اخبار صادقانه او را نیز نامستند و غیرواقعی می‌پندارند. بنابراین، انسان باید سخنان خود را با دلیل و سند و اطمینان از درستی آن نقل کند تا به پی‌آمدهای منفی آن دچار نشود. حضرت

ص: ۸۸

محمد صلی الله علیه و آله - آن امین راست گو - می فرماید:

كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا يَسْمَعُ. (۱)

در گناه کار بودن فرد همین بس که هر چه را می شنود، نقل کند.

خداترسی

انسان پرهیزگار در شرایط گوناگون زندگی، خود را در محضر پروردگار متعال می بیند و خدا را شاهد و ناظر رفتار خویش می داند. ایمان به خداوند در اعماق جانِ چنین فردی ریشه دوانیده است و رشته حضور الهی را هیچ گاه گسسته نمی بیند. وی به هنگام خوشی و ناخوشی، سختی و سادگی، خداوند را نزدیک ترین یاور خود می داند و همچون کسانی نیست که تنها در سختی ها به درگاه ربوبی روی می آورند و پس از حل مشکل، به خدا فراموشی و خود گرایی مبتلا می شوند. او، مودت و امنیت الهی را بر جاذبه مال و مقام ترجیح

ص: ۸۹

می‌دهد و دار قرار را بر دار فرار نمی‌فروشد. پیامبر گرامی اسلام در این باره می‌فرماید:

اتَّقِ اللَّهَ فِي عُسْرِكَ وَيُسْرِكَ. (۱)

هنگام سختی و خوشی، خداترس باش.

خداخواهی

مردان خدا می‌توانند با رفتار پسندیده خود، دیگران را نیز با طریق قرب الهی آشنا کنند. آنان می‌توانند با سخنان دل‌نشین و عمیق خود، وجدان خداجو و خداگرای افراد را بیدار سازند و با کردار خود، اسوه عملی دیگران باشند. رفتار خالصانه اهل حق، اکسیری است که قلب بندگان را جلا می‌بخشد و به محبت و مودت خالق، رهنمون می‌کند. چه زیبا است انسان به درجه‌ای از ایمان و یقین برسد که دیگران با دیدن او به یاد خداوند بزرگ بیافتند. همانا اینان رستگارانند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله؛ بنده برگزیده خدا که بشریت را از بربریت به معبودی یگانه،

ص: ۹۰

رهنمون ساخت، می‌فرماید:

حَبَّبُوا اللَّهَ إِلَىٰ عِبَادِهِ يُحِبُّكُمْ اللَّهُ. (۱)

خدا را نزد بندگانش محبوب سازید تا او شما را دوست بدارد.

خدمت به مردم

بعضی از مردم برای خدمت به دیگران هیچ علاقه‌ای ندارند و همچون طلب کاران در انتظار کمک و یاری دیگران نشستند. آنان با اینکه امکانات کافی نیز دارند، ولی همچنان منتظر مساعدت بیشتر هستند. از سوی دیگر، با نیکانی روبه‌رو می‌شویم که در راه خدمت به خلق الله، چنان شیفته و از خود باخته‌اند که سر از پا نمی‌شناسند و هر شب به امید آن می‌خوابند که فردا، باری از دوش درمانده‌ای بردارند و دل‌های شکسته‌ای را آرامش بخشند. اینان نه تنها از خدمت به مردم خسته نمی‌شوند، بلکه هر روز در این راه تشنه‌تر می‌شوند.

ص: ۹۱

در حقیقت، آنان محبوب خداوندند که رفع نیاز مردم دردمند به دست آنان سپرده شده است. پیامبر رحمت می‌فرماید:

إِذَا ارَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا صَيَّرَ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْهِ. (۱)

وقتی خداوند برای بنده‌ای نیکی بخواد، حاجت مردم را در دست او قرار می‌دهد.

خشم

اسب سرکش، گاهی اختیار را از سوارش می‌گیرد و با بی‌رحمی تمام، او را بر زمین می‌کوبد و برای مدتی وی را در پی دوا و درمان راهی می‌کند. حتی ممکن است این سرکشی، به قیمت جان او تمام شود. خشم و غضب نیز همین حالت را دارد؛ یعنی تعادل روحی و روانی آدم را برهم می‌ریزد و ابزار تعقل او را از کار می‌اندازد. در این هنگام، تصمیم‌هایی می‌گیرد که پی‌آمدهای جبران‌ناپذیری

ص: ۹۲

خواهد داشت. چه بسا انسان‌هایی که برای یک لحظه عصبانیت، سالیان درازی از عمر ارزشمند خود را پشت میله‌های زندان به سر برده و حتی جان خود را از دست داده‌اند. افزون بر این، بر اثر خشم فراوان، آدمی کارهایی انجام می‌دهد یا سخنانی را بر زبان می‌آورد که از وقار او می‌کاهد و چهره اجتماعی و خانوادگی وی را زیر سؤال می‌برد. برای رهایی از چنین پی آمدهای زیان‌باری، راهنمایان دینی، آدمیان را به بردباری و مهار خشم و غضب فراخوانده‌اند. مردی به پیامبر اسلام گفت: مرا سفارشی بفرمایید.

حضرت فرمود: خشم مکن. بار دیگر عرض کرد: باز هم توصیه‌ای بفرمایید:

حضرت باز هم فرمود: خشم مکن. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ اِنَّ الشَّدِيدَ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ. (۱)

نیرومند آن نیست که دیگری را بر زمین

ص: ۹۳

بکوبد، بلکه نیرومند آن است که هنگام خشم بر نفس خود مسلط باشد.

خواب صبح‌گاهی

بعضی افراد، صبح‌گاهان از بستر خواب برمی‌خیزند و با نشاطی مضاعف، کار و تلاش را از سر می‌گیرند. عده‌ای دیگر با گذشت زمانی از روز، همچنان در بستر خود به این سمت و آن سمت می‌غلتنند و مانند بیماری رنجور، توان برخاستن ندارند. این سستی، ناشی از پرخوابی آنان است که به دلیل همین عادت ناپسند، بسیاری از فرصت‌ها را از دست می‌دهند. در حالی که دیگران بخشی از کارهای روزانه خود را انجام داده‌اند، وی با کسالت از خواب برمی‌خیزد و تا پایان روز همچنان در سستی باقی می‌ماند. پس شایسته است که به توصیه‌های حضرت رسول صلی الله علیه و آله عمل کنیم و از خواب بی‌ثمر چشم‌پوشیم. ایشان می‌فرماید:

ص: ۹۴

الْصُّبْحَةُ تَمْنَعُ الرَّزْقَ. (۱)

خواب صبح گاهی مانع روزی است.

خواندن نامه دیگران

از عادت‌های زشتی که در برخی افراد وجود دارد، این است که بی اجازه، نامه دیگران را می‌خوانند یا در کار دیگران تجسس می‌کنند. اینان برای توجیه کار نادرست خود می‌گویند: «من و او نداریم»، «بین ما یگانگی کامل وجود دارد». البته این عذری ناپذیرفتنی است و حتی اگر پدر و فرزند، نامه‌های همدیگر را بخوانند، ناراحت می‌شوند؛ زیرا ممکن است مطالبی وجود داشته باشد که صاحب نامه نمی‌خواهد دیگران از آن آگاه شوند. پیامبر گرامی اسلام با توصیه به ترک چنین کار نکوهیده‌ای، می‌فرماید:

مَنْ نَظَرَ فِي كِتَابِ أَخِيهِ بغيرِ إِذْنِهِ فَكَأَنَّمَا يَنْظُرُ فِي النَّارِ. (۲)

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۸۵۷

۲- نهج الفصاحه، ش ۲۸۴۶

ص: ۹۵

هر کس بی‌اجازه برادرش به نام او نگاه کند، مانند آن است که در آتش نگریسته است.

خوش بویی

انسان بنا بر طبیعت خود، بوی خوش و نیکو را دوست دارد و از بوی بد بیزاری می‌جوید. از این رو، همواره می‌کوشد فضای زیستگاهش عطر آگین باشد و از بوی بد پرهیز دارد. مکتب اسلام، پاکیزگی و بهداشت فردی و اجتماعی را سرلوحه دستورهای ارزشمند خود قرار داده است و بر رعایت آن در مکان‌های ارزشمند مانند مساجد و زیارت‌گاه‌ها بیشتر تأکید می‌کند؛ زیرا سبب جذب بیشتر مردم به این مکان‌ها می‌شود. پیامبر اسلام نیز همیشه خوش‌بو بود و به دیگران توصیه می‌فرماید:

انَّ خِيَارَ عِبَادِ اللَّهِ الْمُوفُونَ الْمُطِيبُونَ. (۱)

بهترین بندگان خدا کسانی هستند که به وعده وفا می‌کنند و عطر به کار می‌برند.

خوش رفتاری با خانواده

اعضای خانواده در برابر یکدیگر، وظایف و حقوقی دارند، مانند: تأمین امکانات رفاهی و آسایش و خوش رفتاری متقابل. متأسفانه افرادی یافت می‌شوند که در بیرون از محیط خانه، بسیار خوش اخلاق و خوش برخورد هستند، ولی زمانی که وارد محیط خانواده می‌شوند، بسیار سخت گیرند و مانند انسان‌های خودخواه و پرتوقع، انتظار دارند که دیگران مطیع دربارت آنان باشند. اینان هرگز با کسی مشورت نمی‌کنند و برای اعضای خانواده ارزشی قائل نیستند. به سخنان دیگران گوش نمی‌دهند و بی‌حوصله و زورگو هستند. گویی این فرد همان انسان خوش رو و خوش اخلاق بیرون از خانه نیست. اسلام این خصلت ناپسند را بسیار نکوهش کرده است و پیامبر گرامی اسلام برای تأمین ثبات و آسایش خانواده و توصیه به بهترین رفتارها در محیط خانواده می‌فرماید:

ص: ۹۷

خِيارُكُمْ خَيْرُكُمْ لِاهْلِهِ. (۱)

بهترین شما کسانی هستند که برای اهل خود بهترند.

خیرخواهی

انسان مسلمان خود را در غم و شادی دیگران شریک می‌داند؛ یعنی آنچه را برای خود می‌خواهد، برای دیگران نیز خواهان است و آنچه را برای خود آرزو می‌کند، برای دیگران نیز آرزومند است. در این حال، اگر موفقیت و کمالی نصیب دیگران شود، لذت می‌برد و این، اوج خیرخواهی است. مسلمانان عضو خانواده بزرگ اسلامی‌اند و باید در غم و شادی یکدیگر شریک باشند. پس بکوشیم به فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله جامه عمل بپوشانیم و چنین احساسی را در خویشتن پدید آوریم، آنجا که می‌فرماید:

اَحِبِّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ. (۲)

آنچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران نیز بخواه.

۱- همان، ش ۱۴۷۷

۲- همان، ش ۸۷

ص: ۹۹

د

دانش‌اندوزی

همه کسانی که به مراتب بالایی از علم و آگاهی رسیده‌اند، از هر فرصتی برای کسب دانش سود جستند. آنان از مطالبی که دیگران قابل مطالعه نمی‌دانند و به راحتی از کنار آن می‌گذرند، بی‌اعتنا نمی‌گذرند و در راه تحصیل علم، مرارت‌ها و سختی‌های فراوانی را بر خود هموار می‌کنند. آنان با چشم‌پوشیدن از خواب و خوراک، کنار نهادن تکبر و غرور و با فروتنی و احترام در برابر استاد، ساعت‌ها و ماه‌ها و سال‌ها به تعلیم و آموختن نشستند. در نظر اینان، دانش همانند آب دریا است که هرچه از آن می‌آشامند، همچنان خود را تشنه‌تر و نیازمندتر می‌بینند. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به فراگیری دانش می‌فرماید:

ص: ۱۰۰

اعْلَمِ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. (۱)

دانشمندترین شخص آن است که علم دیگران را بر علم خود بیافزاید.

دانشجو باید از تنبلی و بی‌کاری دوری کند و با پشتکار به کسب دانش بپردازد. دانشجو باید از هر فرصتی که پیش می‌آید، بیشترین بهره را ببرد تا موفقیت لازم را به دست آورد. دانش‌طلبان از شتاب نکردن در بهره‌گیری از زمان، بیشترین زیان را می‌بینند؛ زیرا دانشجو باید در طلب علم همچون تیری از چله کمان رها شود و از اما و اگرها و امروز و فرداها رها باشد. پیامبر گرامی اسلام که پی‌جویی و پی‌گیری علم را تا راه‌های دوردست توصیه می‌کرد، درباره جد و جهد برای فراگیری دانش، سخنی نیکو به یادگار گذاشته است:

اغْدُوا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَإِنَّ الْعُدُوَّ بَرَكَهٌ وَ نَجَاحٌ. (۲)

۱- همان، ش ۳۶۰

۲- نهج الفصاحه، ش ۳۷۶

ص: ۱۰۱

در طلب دانش زودخیز باشید؛ زیرا در زودخیزی، برکت و کام‌یابی است.

دانشمندان بی عمل

بعضی از مردم، دیگران را ارشاد و راهنمایی می‌کنند و راه خیر و سعادت را به آنان نشان می‌دهند. آنها را از زشتی گناه آگاه می‌کنند و راه خیر و سعادت را پیش پای آنان قرار می‌دهند. به طور کلی، مردم در پرتو دانش و فضل این دانشمندان به رضوان الهی دست می‌یابند و سعادت‌مند و رستگار می‌شوند، ولی آن گاه که نوبت به خودشان می‌رسد و باید به دانستنی‌های خود عمل کنند، درمانده می‌شوند و در مقام عمل کم می‌آورند. تو گویی این اندوخته‌ها را فقط برای راهنمایی دیگران در مخزن ذهن خود بایگانی می‌کنند. این افراد جز حسرت و پشیمانی و گزیدن زبان‌های خویش بهره‌ای ندارند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره وضعیت این عالمان بی عمل می‌فرماید:

ص: ۱۰۲

يُطَلِّعُ قَوْمٌ مِّنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَى قَوْمٍ مِّنْ أَهْلِ النَّارِ فَيَقُولُونَ مَا أَدْخَلَكُمْ النَّارَ وَقَدْ دَخَلْنَا الْجَنَّةَ لِفَضْلِ تَأْدِيبِكُمْ وَتَعْلِيمِكُمْ فَيَقُولُونَ إِنَّا كُنَّا نَأْمُرُ بِالْخَيْرِ وَلَا نَفْعَلُهُ. (۱)

گروهی از بهشتیان به عده‌ای از دوزخیان نظر می‌افکنند و می‌گویند: چه کاری شما را به آتش کشانید در صورتی که ما به برکت تأدیب و آموزش شما داخل بهشت شده‌ایم. آنان در پاسخ می‌گویند: ما به نیکی امر می‌کردیم، ولی خودمان به آن عمل نمی‌کردیم.

دانشمند فاسد

اگر دانشمندی از جاده سلامت خارج شود و از دانش خود در مسیر نادرست بهره‌برداری کند، می‌تواند زیان‌های جبران‌ناپذیری برای بشریت داشته باشد. عالم چون از ظرایف امور آگاه است، اگر گمراه شود، می‌تواند تعداد زیادی را به ورطه نابودی بکشد. عالم، راه گمراه کردن مردم را بهتر

ص: ۱۰۳

می‌شناسد و می‌داند چگونه حقیقت را وارونه و باطل را حق جلوه دهد. امروزه بسیاری از آسیب‌ها و زیان‌های جامعه انسانی بر اثر سوءاستفاده دانشمندان از دانششان رخ می‌دهد.

دانشمند، نه تنها می‌تواند فکر مردم را بیمار کند، بلکه از راه دستاوردهای علمی او، گاهی زیان‌های فراوانی متوجه مردم می‌شود. بنابراین، همان‌گونه که یک عالم بافضیلت می‌تواند افراد زیادی را به سوی رستگاری راهنمایی کند تا جامعه انسانی از دانش او بهره بگیرد، عالم گمراه هم منشأ آسیب‌های بسیاری خواهد شد. از پیامبر گرامی اسلام پرسیدند:

أَيُّ النَّاسِ شَرُّ.

کدام یک از مردم بدترند؟

ایشان فرمود:

الْعُلَمَاءُ إِذَا فَسَدُوا. (۱)

دانشمندان هر گاه فاسد شوند.

ص: ۱۰۴

دانشوری

علم در منطق اسلام، نوری است که پروردگار آن را در قلب‌های مستعدی پروراند و او را به راه راست و بندگی عاشقانه و عارفانه فرا می‌خواند. سعادت و نیک فرجامی آدمی در سایه این دانش به دست می‌آید. علم، آدمی را از تاریکی و ظلمت می‌رهاند و او را به سوی نور و روشنایی رهنمون می‌سازد.

آدمی چگونه می‌تواند از این منبع درخشان، روی گردان و بی‌بهره بماند، در حالی که در آموزه‌های روایی، پی‌گیری آن حتی در دوردست‌ترین سرزمین‌ها (یعنی چین) سفارش شده است. اصولاً آدمی برای رسیدن به گوهری ارزشمند، تا اعماق زمین و دریاها را می‌کاود و دانش نیز چنین است؛ گوهری ارزشمند و عاقبت‌آفرین که هر رنج و زحمتی برای به دست آوردن آن رواست. باید کوشید و لباس زیبای دانش را بر تن کرد و خود را به زیور ارزش‌ها

ص: ۱۰۵

آراست که اگر چنین شود، منزلت دنیوی و سعادت اخروی نصیب آدمی می‌شود. علم ارزشی، مسیر زندگی را به درستی می‌نمایاند و بهترین یار و یاور آدمی در حل مشکلات و آراستن به فضایل اخلاقی است. انسان دانشمند، بسیار دقیق است و هر چیزی را آن‌گونه که باید، ادا می‌کند. پیامبر دانش گستر و دانشمند پرور در فضیلت دانش می‌فرماید:

بِالْعِلْمِ يُطَاعُ اللَّهُ وَ يُعْبَدُ وَ بِالْعِلْمِ يُعْرَفُ اللَّهُ وَ يُوَحَّدُ وَ بِهِ تُوَصَّلُ الْأَرْحَامُ وَ يُعْرَفُ الْحَلَالُ وَ الْحَرَامُ وَ الْعِلْمُ أَمَامُ الْعَقْلِ. (۱)

با دانش، اطاعت و پرستش خدا انجام می‌گیرد.

به واسطه دانش، خداوند شناخته می‌شود و عقیده به یگانگی او پیدا می‌شود. به وسیله دانش، حق خویشان ادا می‌شود و حلال و حرام شناخته می‌گردد و دانش، پیشوای عقل است.

ص: ۱۰۶

درخواست

تمنّا کردن از دیگران، از شخصیت و بزرگی آدمی می‌کاهد. بر این اساس، اسلام برای تکریم شخصیت انسانی، دستور داده است تا آنجا که می‌توانید دست نیاز به سوی این و آن دراز نکنید. در حقیقت، بی‌نیازی در پس پرده مناعت طبع قرار دارد. کسی که عزت نفس و بزرگی دارد، هیچ‌گاه به خاطر تأمین اندکی از نیازهای خود، رنج خواهش از دیگران را بر خود هموار نمی‌کند و خود را پیش دیگران خوار و کوچک نمی‌سازد. عملکرد معصومین ما در قناعت و درخواست نکردن بسیار آموزنده است. آنان هیچ‌گاه برای به دست آوردن چیزی از دیگران مطالبه نمی‌کردند و بردباری پیشه می‌کردند تا در زمان مناسب به خواسته مشروع خود دست پیدا کنند. فقر و غنا به داشتن مال و منال نیست، بلکه چه بسیار فقیرانی که در حقیقت، استغنائی نفس داشته‌اند و بزرگند و چه دارندگانی که هنوز هم دست نیاز به

ص: ۱۰۷

سوی این و آن دراز می‌کنند. اینان در واقع، خود به نوعی فقر و نیازمندی دچارند که در ظاهر دیده نمی‌شود. به راستی ما جزو کدام دسته‌ایم؟

پیامبر ارجمند اسلام درخواست کردن غیر ضروری را نشانه فقر می‌شمارد و می‌فرماید:
 قَلَّةٌ طَلَبَ الْحَوَائِجِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغِنَى الْحَاضِرُ وَ كَثْرَةُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ مَذَلَّةٌ وَ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ. (۱)
 کم خواهش کردن از مردم، بی‌نیازی حاضر و زیاد خواهش کردن از مردم، خواری و فقر حاضر است.

دروغ‌گویی

دروغ یکی از انحراف‌های شدید اخلاقی است. دروغ گو پیوسته دچار تشویش و نگرانی است و بیم آن دارد که حقیقت مطالب آشکار و اورسوا شود. بر اثر کشف حقایق، شرافت ذاتی دروغ گو از دست

ص: ۱۰۸

می‌رود و وی نزد دیگران حقیر و ناچیز می‌شود.

دروغ‌گویی از صفات ناپسندی است که در همه آیین‌ها عامل انحطاط شخصیت فرد و آسیب اجتماعی شمرده شده است. هر کس راست‌گوتر باشد، سخن مردم را زودتر باور می‌کند و هر که دروغ‌گوتر است، بیشتر مردم را دروغ‌گو می‌شمارد. از روایات معصومین برمی‌آید که درمان دروغ‌گویی بر بهسازی روحی و معنوی آدمی تأثیر فراوانی دارد. در حقیقت، وقتی آدمی، مادر زشتی‌ها را ترک می‌کند، رفته رفته کاستی‌های اخلاقی دیگر را نیز از خود دور می‌سازد. پیامبر بزرگوار اسلام با تأکید بر پرهیز از دروغ می‌فرماید:

إِيَّاكَ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يَسْوِدُ الْوَجْهَ، ثُمَّ يُكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا وَإِنَّ الصِّدْقَ يُبَيِّضُ الْوَجْهَ وَيُكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ صَادِقًا وَاعْلَمْ أَنَّ الصِّدْقَ مُبَارَكٌ وَالْكَذِبُ مَشُؤْمٌ. (۱)

از دروغ پرهیز؛ زیرا دروغ، رو را سیاه می‌کند و

ص: ۱۰۹

سپس مرتکب آن، نزد خداوند دروغ گو نوشته می‌شود و راست گویی، رو را سفید می‌کند و نزد خداوند راست گو نوشته می‌شود و بدان که راست گویی، مبارک و دروغ گویی، شوم است.

دعا در غیاب دیگران

دعاهایی که در نبود افراد، در حق آنان انجام می‌شود، بسیار به اجابت، نزدیک و نشان‌دهنده کمال اخلاص دعا کننده است؛ زیرا ممکن است دعاهایی که در حضور دیگران انجام می‌شود، با شایبه ریا و جلب اعتماد و رضایت ذی‌نفع همراه باشد. به یقین، چنین اعمالی نزد پروردگار متعال، هیچ ارزشی نخواهد داشت. دعا کننده در دعاهای پنهانی که تنها برای رضایت الهی است، دعا را حتی پس از اجابت نیز فاش نمی‌سازد تا ذی‌نفع متوجه نشود که با چه واسطه‌ای، مورد لطف خداوند قرار گرفته است. پیامبر اسلام، عمل خالصانه را گران‌سنگ‌ترین و با ارزش‌ترین اعمال می‌داند و می‌فرماید:

ص: ۱۱۰

اَسْرِعُ الدُّعَاءِ اجَابَةً دَعَاءِ غَائِبٍ لِغَائِبٍ. (۱)
 سریع‌ترین دعا که اجابت می‌شود، دعای غایب برای دیگری است.

دعوت به گمراهی

هر کس مسئول رفتار و گفتار خویش است، ولی گاهی انسان با گفتار یا رفتار خویش در گناه یا ثواب دیگران شریک می‌شود و آن در صورتی است که فرد، دیگران را به انحراف بکشاند. برعکس، چنانچه انسان، دیگران را به کار و سنت نیکو فرا بخواند تا به سعادت دنیا و آخرت برسند، در ثواب عمل‌کنندگان نیز شریک خواهند بود. پس مبدا که با گفتار و کردار خویش، دیگران را گمراه کنیم؛ زیرا در آن صورت، عذابی دردناک در انتظارمان خواهد بود. رسول گرامی اسلام در این باره می‌فرماید:

أَيُّمَا دَاعٍ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ فَاتَّبِعْ فَإِنَّ عَلَيْهِ مِثْلَ

ص: ۱۱۱

اَوْزَارٍ مِّنْ اَتَّبَعَهُ... (۱)

هر کس که مردم را به گمراهی بخواند و از او پیروی کنند، گناهی مثل گناه عمل‌کنندگان به آن خواهد داشت ...

دگرگونی‌های زندگی

زندگی همیشه یکنواخت نیست، بلکه همیشه با تغییر، دگرگونی و فراز و نشیب‌هایی همراه است. انسان اندیشمند از تحولاتی مثبت و منفی روزگار، درس زندگی می‌آموزد و درمی‌یابد که چه عواملی در شکست یا پیروزی اثرگذار است. از طبیعت بی‌جان که با رویش جوانه‌ها و دمیدن روح بهار، طراوت و سرزندگی می‌یابد و از پایدار نبودن جاه و مقام‌ها، به ماهیت این سرای گذر، پی می‌برد. در نتیجه، از خواب غفلت برمی‌خیزد و خود را برای روزی آماده می‌کند که مال و فرزند به یاری انسان نمی‌شتابند. بلکه قلب سلیم و پرهیزگاری، دستگیر انسان است. پیامبر اسلام، کسانی را که از گذر زمان و فراز و فرودهای روزگار پند

ص: ۱۱۲

نمی‌گیرند، نکوهش می‌کند و می‌فرماید:

اغْفَلُ النَّاسِ مَنْ لَمْ يَتَّعِظْ بِتَغْيِيرِ الدُّنْيَا مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ. (۱)

غافل‌ترین مردم کسی است که از دگرگونی‌های دنیا پند نگیرد.

دنیاگرایی

مردم دنیا پرست بسیارند و افراد دنیادار هم بی‌شمار.

تمام فکر این افراد در دایره مادیات سیر می‌کند و اندیشه آنان از شهوت‌ها فراتر نمی‌رود. اگر از دین سخن می‌گویند، بسیار سطحی و گذرا است. آنان دین را هم وسیله دست‌یابی به اهداف دنیوی خویش قرار داده‌اند. اگر میان دین و دنیایشان تراحمی پیش آید و مجبور شوند یکی را برگزینند، حتماً در پی دنیا خواهند رفت. در صورت به مخاطره افتادن دینشان، هیچ حساسیتی نشان نمی‌دهند و بی‌اعتنا از کنار آن می‌گذرند، ولی شتابان

ص: ۱۱۳

به دور دنیا می‌چرخند و تمام نیروی خود را به کار می‌گیرند تا توشه دنیایی را به دست آورند. حتی در این راه از ستمگری و حق‌کشی، نیرنگ و مانند آن هم روی گردان نیستند. آنان نمی‌دانند که چه گوهرهای ارزشمندی را در راه به دست آوردن مال ناچیز دنیا هدر داده‌اند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای پیش‌گیری از این وضعیت اجتماعی و بر حذر بودن از این گونه افراد می‌فرماید:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُبَالِي الرَّجُلُ مَا تَلَفَ مِنْ دِينِهِ إِذَا سَلِمَتْ لَهُ دُنْيَاهُ. (۱)

زمانی برای مردم پیش خواهد آمد که مردم به تلف شدن دین اهمیتی نمی‌دهند، هنگامی که دنیای آنها محفوظ و سالم باشد.

دوری از مواضع اتهام

گاهی انسان، خود، شخص محترم و آبرومندی است، ولی به دلیل نشست و برخاست با کسانی که

ص: ۱۱۴

مورد اتهام هستند، در معرض تهمت قرار می‌گیرد.

مردم می‌پندارند او نیز در سلک و پیشه آنان است؛ چون اگر با آنان مخالف بود، به هم‌نشینی با آنان ادامه نمی‌داد. چه بسا ممکن است او فرد درست کاری باشد، ولی به دلیل رفت و آمد با بدان، به تدریج خوی و خصلت آنان را بگیرد و رنگ الهی خویش را از دست بدهد. بنابراین، بسیار شایسته است که انسان، برای سلامت روح و روان و دوری از اتهام، دوستی با چنین افرادی را ترک کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

أَوْلَى النَّاسِ بِالتُّهْمَةِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ التُّهْمَةِ. (۱)

هر که با متهمان هم‌نشینی کند، بیش از همه سزاوار تهمت است.

دوستی خدا

آفرینش انسان به گونه‌ای است که حب به ذات دارد، هرچند به دیگر انسان‌ها نیز علاقه نشان می‌دهد.

ص: ۱۱۵

حب به ذات سبب می‌شود انسان برای حفظ جان خویش تلاش کند و برای پایداری دوستی‌ها به فداکاری و جانبازی دست بزند. برترین گونه عشق و محبت که به آن عشق واقعی می‌گویند، حب به ذات لایزال الهی است. عاشق خداوند، دوستی او را بر هر چیزی مقدم می‌دارد و همه هستی خویش را برای محبت او فدا می‌کند. محبت به خدا در زندگی دنیوی، با کمک به نیازمندان، انجام خدمات خدایسندانه و اصلاح امور هم‌نوعان تجلی می‌یابد.

پیامبر گرامی اسلام در توصیه به علاقه مُحَبِّ و محبوب می‌فرماید:

مَنْ أَثَرَ مَحَبَّةَ اللَّهِ عَلَى مَحَبَّةِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ مَوْنَةَ النَّاسِ. (۱)

هر که محبت خدا را بر محبت مردم ترجیح دهد، خداوند، گرفتاری مردم را از او کفایت می‌کند.

ص: ۱۱۷

د

راست‌گویان دروغین

ظاهر و باطن برخی افراد یکسان است و به دلیل این ویژگی، همواره مورد احترام مردم هستند و دیگران به آنان اعتماد دارند. در مقابل، با افرادی روبه‌رو می‌شویم که با ظاهرسازی و ریاکاری‌های حساب شده، خود را به عنوان انسان‌های راست‌گو معرفی می‌کنند، ولی در مواقع مقتضی، برخلاف انتظار ظاهر می‌شوند. در این حالت، افرادی که به آنان اطمینان کرده‌اند، پشیمان می‌شوند و اعتماد آنان به‌طور کامل از بین می‌رود. رسول الله صلی الله علیه و آله، این راست‌گویان دروغین را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد و می‌فرماید:

كَبْرَتْ خِيَانَةٌ أَنْ تُحَدِّثَ أَخَاكَ حَدِيثًا هُوَ لَكَ بِهِ مُصَدِّقٌ وَأَنْتَ لَهُ كَاذِبٌ. (۱)

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۱۲۰

ص: ۱۱۸

خیانتی بس بزرگ است که تو به برادر خویش سخنی بگویی که او تو را راست گو شمارد، در حالی که دروغ گفته باشی.

راهنمایی

از کارهای پسندیده آن است که ره گم‌کردگان را به راه راست هدایت کنیم تا به مقصد برسند. در یک قیاس کوچک می‌توان گفت گاهی به افرادی که مسافر و غریبه‌اند، برمی‌خوریم که کوچه‌ها و خیابان‌های شهر ما را نمی‌شناسند. ما وظیفه داریم تا آنان را به مقصد راهنمایی کنیم؛ زیرا کاری پسندیده و ارزشمند است. همچنین گاهی افرادی هستند که راه را از چاه باز نمی‌شناسند و گمراهند. در اینجا نیز انسان مشفق و خیرخواه می‌کوشد تا راه راست را به او باز شناساند و وی را به سوی جاده سلامت و سعادت رهنمون شود.

پیامبر گرامی اسلام درباره هدایت ره‌جویان می‌فرماید:

ص: ۱۱۹

... ارشادُكَ الرَّجُلَ فِي أَرْضِ الضَّلَالِ لَكَ صَدَقَةٌ ... (۱)
 ... راهنمایی کسی که راه را گم کرده است، صدقه است ...

رسوایی آخرت

بی‌شک، انسان پس از مرگ با نتیجه اعمال خود روبه‌رو خواهد شد و روز حساب بیش از هر چیز دیگری به انسان نزدیک‌تر است. راست‌گوترین افراد؛ یعنی پیامبران و امامان، با تصدیق این امر، مردم را از انجام کارهای زشت برحذر داشته و فرموده‌اند که نتیجه هر کار خوب یا بدی به انسان بازمی‌گردد. روزی فرامی‌رسد که پرده‌ها فرو می‌افتد و باطن و حقایق انسان آشکار می‌شود و انسان‌های بدکار، رسوای عام و خاص خواهند شد. پس ای عزیز! ما که حاضریم برای حفظ آبروی خود در دنیا، هزینه‌های گزاف پردازیم، چگونه در برابر حفظ آبروی خود در زندگی جاوید بی‌توجهیم. آیا نباید

ص: ۱۲۰

برای حفظ آبروی خود در دنیای دیگر چاره‌ای بیاندیشیم؟ پیامبر راستین اسلام در این باره می‌فرماید:

فُضُّحُ الدُّنْيَا أَهْوَنُ مِنْ فُضُّحِ الْآخِرَةِ. (۱)

رسوایی دنیا آسان‌تر از رسوایی آخرت است.

۱- همان، ش ۲۰۵۷

ص: ۱۲۱

ز

زهد و پارسایی

زهد به معنای غایب شدن از بین مردم و پناه بردن به غار و بیابان نیست. زهد به معنای تسبیح به دست گرفتن و به طور کلی امور دنیا را وانهادن نیست.

زهد به معنای بی‌خبری انسان از عالم سیاست و ناآگاهی از آنچه در پیرامونش می‌گذرد، نیست. زهد به معنای گوشه‌گیری و گره‌گشایی نکردن از امور فردی و اجتماعی دیگران نیست. اینها همه تفسیرهای نادرست از زهد و پارسایی است. در اسلام، زاهد به کسی گفته می‌شود که از دنیاگرایی شدید و محور قرار دادن امور مادی پرهیز می‌کند و اگر هم اندوخته‌ای دارد، بر اساس چارچوبی که دین آن را تعیین کرده است، هزینه می‌کند و به دیگران نیز یاری می‌رساند. حقیقت زهد و پارسایی را باید در سیره رفتاری و کلام نورانی معصومین علیهم‌السلام جست‌وجو کرد؛ زاهدانی حقیقی که پارسایان شب

ص: ۱۲۲

و شیران روز بودند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در ترسیم گوشه‌ای از حقیقت زهد می‌فرماید:

الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَالْوَرَعُ عَنْ كُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ (۱)

زهد در دنیا، کوتاهی آرزو، به جا آوردن شکر هر نعمت و پرهیز از هر چیزی است که خداوند آن را حرام کرده است.

زیبا سخن گفتن

به راستی که کلام، معجزه‌گر است و می‌تواند تأثیر فراوانی بر مخاطبان خود داشته باشد. سخن زیبا، محکم، مستدل و منطقی، آدمی را ارشاد و راهنمایی می‌کند و او را به راه راست نزدیک می‌سازد. سخن نیکو در خاندان عصمت و طهارت به روشنی دیده می‌شود. آنان هر جا دل‌های مردم را برای شنیدن آماده می‌دیدند، به سخنانی می‌پرداختند. کوتاه سخن می‌گفتند؛ زیاده‌گو و تناقض‌گو نبودند.

ص: ۱۲۳

شیرین سخن‌ترین و شیواگوترین مردمان بودند.

آورده‌اند حتی بهشتیان نیز به زبان محمد صلی الله علیه و آله سخن می‌گویند. آنان هیچ‌گاه با نهایت مرتبه عقل و فهم خویش با کسی سخن نمی‌گفتند. به اندازه عقل و فهمشان حرف می‌زدند. حتی دشمنان نیز در رویارویی با سخنان دل‌نشین معصومین علیهم السلام، لب به اعتراف و اقرار می‌گشودند و بر زیبایی کلامشان صحنه می‌گذاشتند. آنان نه تنها خود نیکوسخن بودند، بلکه پیروانشان را نیز به شیوایی، ساده‌گویی و نیکوسخنی دعوت می‌کردند. آنان با رعایت ادب در گفتار، از دیگران می‌خواستند گفتار خویش را پاس بدارند و آن را به ناسزاگویی و سخنان ناپسند آلوده نسازند. آنان سخن زیبا را با ارزش‌تر و اثرگذارتر از چهره زیبا می‌دیدند. پیامبر گرامی اسلام، سرسلسله نیکوسخنان فرموده است:

الْجَمَالُ فِي اللِّسَانِ. (۱)

زیبایی در زبان است.

ص: ۱۲۵

س

سست ایمانی و تجمل‌گرایی

بعضی مردم عادت کرده‌اند زندگی تجملی داشته باشند. اینان که به رفاه‌طلبی و دنیادوستی رو آورده‌اند، ساده‌زیستان را که در راهی جز راه آنان گام برمی‌دارند، عقب افتاده و واپس‌گرا می‌نامند.

آنان چنان در تجمل‌گرایی فرورفته‌اند که به کلی از کاروان انسانیت عقب مانده‌اند و ساده‌زیستی را که هنر مردان خداست، به باد تمسخر و استهزا می‌گیرند. خانه دل و جان تجمل‌گرایان از معنویت تهی است و همیشه سزاوار نکوهشند. ساده‌زیستی، روش پسندیده پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام است و آنان اسوه و الگوی دیگرانند. پیامبر اسلام می‌فرماید:

أَخْشَى مَا خَشِيَتْ عَلَى أُمَّتِي كِبْرُ الْبَطْنِ وَ مُدَاوَمَةُ النَّوْمِ وَ الْكَسْلُ وَ ضَعْفُ الْيَقِينِ. (۱)

ص: ۱۲۶

بر امت خویش بیشتر از هر چیز، از شکم‌پرستی و پرخواهی و کسالت و سست‌ایمانی بیم‌ناکم.

ستایش بدکار

بی‌شک، هر انسانی به تشویق و تنبیه نیاز دارد تا از کارهای نیک و بد خود آگاه شود و در به کار بستن روش درست دقت کند. آدمی با تشویق، انگیزه قوی‌تری نسبت به انجام دادن کار می‌یابد و با تنبیه می‌کوشد از تکرار آن پرهیز کند. این اصل مسلم باید در جای خود به کار گرفته شود. اگر شخص بدکاری از تشویق و تحسین بهره‌مند شود، نه تنها نوعی بی‌عدالتی نسبت به نیکوکاران خواهد بود، بلکه این کار به زیان بدکاران هم است؛ زیرا او را به ادامه دادن و تکرار کار زشتش مصمم‌تر خواهد کرد. از آن گذشته، تحسین فرد بدکار در حقیقت نشانه رضایت از کار زشت او خواهد بود که چنین تمجیدی خلاف عقل و منطق است. این رویه حتی تعادل اخلاقی جامعه را برهم می‌زند و روز به روز بر

ص: ۱۲۷

شمار زشت کاران می‌افزاید. بنابراین، تشویق و تنبیه هر چند اهرم‌های کارسازی در انجام عمل و بازدارندگی هستند، ولی شیوه استفاده بجا از آنها بسیار مهم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نهی از ستایش بدکاران می‌فرماید:

اِذَا مَدَحَ الْفَاجِرُ اهْتَرَّ الْعَرْشُ وَ غَضِبَ الرَّبُّ. (۱)

هنگامی که از آدم بدکار ستایش شود، عرش الهی به لرزه درمی‌آید و خداوند خشمناک می‌شود.

سحر خیزی و بی‌نیازی

سحر خیزی و بی‌نیازی از ویژگی‌های مردان خداست. آنان در سایه سحر خیزی، روحی سرشار از عشق الهی و صفای باطن دارند، به گونه‌ای که انسان، ناخودآگاه در نگاه نافذ آنان گم می‌شود و تحت تأثیر عظمت و بزرگواری آنان قرار می‌گیرد. اینان هر چند از امکانات مادی بی‌بهره‌اند، ولی چنان

ص: ۱۲۸

عزت نفسی دارند که هیچ کس نمی‌تواند از اسرارشان آگاه شود. آنان نزد همه کس حتی دشمنان خود، عزیز و قابل احترامند. سخن‌شان اثرگذار و کارشان مورد تأیید همگان است. این بزرگ‌مردان همیشه از الطاف الهی برخوردار بوده‌اند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز وجود این خصلت‌های نیکو را در آنان می‌ستاید:

شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِيَامُهُ بِاللَّيْلِ وَ عِزُّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ. (۱)

شرف مؤمن در شب زنده‌داری اوست و عزت وی در بی‌نیازی از مردم است.

سراشیبی سقوط

پیروی از هوا و هوس، به بخل رو کردن، به حرص درآویختن، به خود بالیدن، خود بزرگ‌بینی و مانند آن، آدمی را به ورطه هلاکت و نابودی نزدیک می‌سازد و او را به سراشیبی سقوط می‌کشاند. انسان

ص: ۱۲۹

در هر حال به راهبری قابل اعتماد نیاز دارد که با یادآوری، او را از پیروی هوا و هوس و گرایش به رذایل اخلاقی باز دارد و جاده سلامت دنیا و سعادت عقبی را به او نشان دهد. این راهنمایان، پیامبران الهی هستند که همواره در کنار مردم می‌زیستند. ایشان با گفتار و رفتار نیکوی خود، اسوه‌های عملی برای بشریت به شمار می‌روند.

آنانی که پیش از سفارش کاری به دیگران، خود، عامل آن کار بودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستوری سعادت آفرین و نجات بخش به آدمیان هدیه کرده است:

ثَلَاثٌ مُّبَيَّنَاتٌ: هَوَىُّ مُتَّبِعٌ وَ شُحٌّ مُطَاعٌ وَ اَعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ. (۱)

سه چیز موجب هلاکت است: هوا و هوسی که پیروی می‌شود؛ حرص و بخلی که از آن فرمان برند و خود پسندی که عاید انسان شود.

ص: ۱۳۰

سرعت در خیرات

برخی مردم، دارایی و اندوخته‌های خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و هنگام دیدار خدا، سبک‌بارند؛ زیرا زاد و توشه سفر آخرت را از پیش فرستاده‌اند.

گروهی دیگر، تنها هنگامی به اندیشه انفاق می‌افتند که سلامت جسم را از دست داده و در یک قدمی مرگ قرار گرفته‌اند. در این حال، چون از نبود زاد و راحله سفر آخرت، وحشت کرده‌اند، با شتاب، به انفاق و بخشش می‌پردازند. هرچند این عمل نیز از پاداش برخوردار است، ولی بخششی که برای رضای خداست، با بخششی که از ترس مرگ است، بسیار فرق دارد. گروه سوم، کسانی هستند که حتی هنگام مرگ نیز دست بخشش ندارند و آشکار نیست که دارایی‌شان پس از مرگ، در چه راهی مصرف خواهد شد. بر این اساس، پیامبر اسلام می‌فرماید:

لَأَنْ يَتَصَدَّقَ الْمَرْءُ فِي حَيَاتِهِ بِدِرْهَمٍ خَيْرٌ لَهُ

ص: ۱۳۱

مَنْ أَنْ يَتَّصِدَّقَ بِمَائِهِ عِنْدَ مَوْتِهِ. (۱)

اگر انسان در حیات خود، درهمی صدقه دهد، بهتر است از اینکه هنگام مرگش، صد درهم صدقه بدهد.

سستی در عبادت

سستی در هر کاری ناپسند است و سبب می‌شود که کارها به درستی انجام نشود و در نتیجه، اثر مطلوبی در پی نداشته باشد. عبادت هم از کارهایی است که به اخلاص، نشاط و سرزندگی نیاز دارد. اگر یکی از این عوامل نباشد، به همان اندازه به عبادت آسیب می‌رساند. در این میان، سستی و کاهلی و بی‌میلی در عبادت به شدت، از دامنه اثر آن می‌کاهد. بی‌میلی نشانه بی‌انگیزه بودن است و هنگامی که شوق و علاقه در کار نباشد، عبادت، اثر روحی و معنوی نخواهد داشت. نمازی آدمی را از منکر و زشتی باز می‌دارد که با رعایت تمام شرطها انجام شود تا اثر گذار و

ص: ۱۳۲

بازدارنده باشد. در غیر این صورت، عبادت زبانی که تنها لقلقه زبان آدمی است، نمی‌تواند آدمی را از زشتی‌ها باز دارد. پیامبر گرامی اسلام به نماز اهمیت فراوان می‌داد. با شادابی و نشاط بسیار، برای برگزاری نماز آماده می‌شد و نماز تا عمق جان او می‌نشست، به گونه‌ای که گفته‌اند پیامبر در حال نماز بود و آوای گریستن او همچون آوای جوشیدن دیگ بود. ایشان نماز خواندن را چنان سازنده می‌دانست که با اشتیاق تمام، وقت نماز را انتظار می‌کشید و آن را با آداب کامل بجا می‌آورد. ایشان در سفارشی زیبا به علی علیه السلام برای آموزش پیروانشان این گونه سخن می‌گوید:

يَا عَلِيُّ آفَةُ الْعِبَادَةِ الْفُتْرَةُ. (۱)

ای علی! آفت عبادت، سستی است.

سلام

سلام، بهترین هدیه‌ای است که با کمترین هزینه و بیشترین فایده به همدیگر می‌بخشیم. سلام،

ص: ۱۳۳

واژه‌ای معجزه آفرین است که غبار کدورت را می‌زداید و رشته‌های محبت را مستحکم می‌سازد. از درود و سلام فرستادن دریغ نورزیم و این کلمه زیبا را با تکان دادن سر یا برداشتن کلاه یا اشاره و رفتارهای ماشینی عوض نکنیم.

سلام را آشکار کنیم و صداقت و صفا و احترام به دیگران هدیه دهیم. در سیره پیامبر گرامی اسلام آمده است که ایشان در سلام دادن حتی به کودکان، پیش قدم بود و کسی نتوانست در این مسابقه، گوی سبقت را از ایشان برآید. آن پیامبر رحمت می‌فرماید:

افشُوا السَّلَامَ تَسْلَمُوا. (۱)

سلام را آشکار سازید تا سلامت بمانید.

سوغات سفر

سوغات سفر، صرف نظر از ارزش مادی، نشان‌دهنده محبت و علاقه افراد به یکدیگر است.

ص: ۱۳۴

در واقع، مسافر با این کار می‌فهماند که در سفر نیز به یاد دوست خود بوده است. در حقیقت، این کار، یکی از بهترین راه‌های تحکیم پیمان دوستی و جلب محبت طرف مقابل است. بنابراین، بسیار شایسته است انسان هنگام بازگشت از مسافرت، در حد توان، سوغات دوستان و خویشان را تهیه کند.

البته در این رهگذر، نباید خود را به تکلف و سختی افکند و به ارزش مادی اشیا توجه کند؛ زیرا راضی کردن دیگران به بهای به زحمت انداختن بیش از حد خود، مطلوب نیست. پیامبر اسلام برای احیای این سنت حسنه می‌فرماید:

اِذَا قَدِمَ أَحَدُكُمْ مِنْ سَفَرٍ فَلْيَقْدِمْ مَعَهُ بِهَدِيَّةٍ وَ لَوْ يُلْقَى فِي مِخْلَاتِهِ حَجْرًا. (۱)

هرگاه کسی از سفر می‌آید، باید با خود سوغاتی بیاورد، اگر چه سنگی در توبره خود بیاندازد.

ص: ۱۳۵

سوگند ناصواب

بعضی افراد عادت کرده‌اند برای اثبات گفته‌های خود در امور کوچک و بزرگ، قسم می‌خورند. اگر سوگند به دروغ باشد، حرام و غیرشرعی است. اگر راست باشد و برای امور ضروری باشد، مانند اثبات حق یا برطرف کردن ستم، مانعی ندارد. با این حال، اگر فرد در امور جزئی و پیش پا افتاده قسم بخورد، خدا را کوچک می‌کند و رفته رفته از عظمت و قداست الهی می‌کاهد. البته انسان برای ترک هر عادت باید رنج آن را بر خود هموار کند تا عادت‌های نکوهیده از او دور شوند و خود را به خلق نیکو بیاراید. پیشوایان معصوم، این عادت ناپسند را بر نمی‌تابند و از پیروان خود می‌خواهند آن را ترک کنند. پیامبر محبوب اسلام می‌فرماید:

لَا تَخْلِفُ بِاللَّهِ كَاذِبًا وَلَا صَادِقًا مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ وَلَا تَجْعَلِ اللَّهَ عُرْضَةً لِمِینِكَ

ص: ۱۳۶

فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْحَمُ وَلَا يَرْعَى مَنْ حَلَفَ بِاسْمِهِ كَاذِبًا. (۱)

سوگند دروغ به خدا مخور و سوگند راست هم بدون ضرورت یاد مکن و خداوند را در معرض قسم خود قرار مده؛ زیرا خدا به کسی که به نام او سوگند دروغ می خورد، رحم نمی کند و او را مورد ملامت خود قرار نمی دهد.

۱- تحف العقول، ص ۱۴

ص: ۱۳۷

ش

شادی چشم‌ها

وحشتی بی سابقه، دهشتی بی مانند، هولی پریشان‌زا و هیبتی بیچاره کننده همه مردم را در برمی گیرد. همه دل‌ها مضطرب و در تشویش؛ همه بدن‌ها لرزان؛ همه چشم‌ها گریان و همه در اندیشه فرجام کار خویشند. جایی برای فرار نیست. نمی‌توان به مکر و حيله روی آورد و به گونه‌ای از مهلكه خود را رهانید و نام آن را زرنگی نهاد. گاهی در دنیای خاکی، بعضی افراد از این راه‌ها برای گریز و رهایی سود می‌جستند، ولی اینجا پایان دنیاست. جایی که انسان‌ها همه در پیش‌گاه عدل الهی قرار می‌گیرند و کردارها سنجیده می‌شود. جملگی در اضطراب و هراسند جز مؤمنان و فرمانبرداران؛ آنان که توشه از پیش فرستاده و امنیت را با بندگی خریده و اینک در سایه‌سار لطف الهی قرار گرفته‌اند. آنان چنین فرجام

ص: ۱۳۸

نیکی را با شب‌زنده‌داری و حرکت در دایره شریعت برای خویش مهیا ساخته‌اند. همان وعده‌ای که رسول رحمت به ایشان داده بود:

كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً اَعْيُنٍ: عَيْنٌ سَهْرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَيْنٌ غَضَّتْ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَعَيْنٌ فَاضَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ. (۱)

هر چشمی در روز قیامت گریان است، جز سه چشم: چشمی که در راه خدا شب بیداری کشیده باشد؛ چشمی که به چیزهایی که خدا حرام کرده است، نگاه نکرده باشد؛ چشمی که از خوف خدا اشک بسیار ریخته باشد.

شایسته‌سالاری

باید گفت هر کسی اگر در جایگاه خود قرار گیرد، می‌تواند در کارها پیشرفت کمی و کیفی ایجاد کند، ولی اگر در راستای انگیزه‌ها، توانایی‌ها و علاقه‌های خود قرار نگیرد، نه تنها پیشرفتی در کار ایجاد

ص: ۱۳۹

نمی‌کند، بلکه عامل رکود و افت در کارها می‌شود.

بنابراین، شایسته است در تقسیم کارها بین نیروهای انسانی به این مهم توجه شود. همچنین اگر کسی نابجا در جای دیگری که استحقاق آن کار را دارد، قرار گیرد، جلو رشد فردی و اجتماعی خودش گرفته می‌شود؛ زیرا شخصی که دارای تخصص، اطلاعات و توانایی مناسب باشد و در جای خود قرار داده شود، عامل پیشرفت و موفقیت در کارها می‌گردد. بنابراین، بهتر است برای پیشرفت کیفی در کارها و پیش‌گیری از رکود و کم‌کاری افراد، کارها به دست اهلش سپرده شود. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَنْ عَمِلَ عَلَىٰ غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ. (۱)

کسی که از روی نادانی کاری انجام دهد، افساد او بیش از اصلاحش خواهد بود.

ص: ۱۴۰

شُتاب در توبه

کاروان مرگ بی‌خبر به سراغ ما می‌آید. همیشه بیماری، مقدمه مرگ نیست. چه بسا حوادث گوناگون به انسان مهلت نمی‌دهد تا چشمان باز خود را ببندد یا چشمان بسته‌اش را باز بگشاید. پس چرا اکنون که فرصت باقی است، از گذشته‌های خود باز نگردیم و ره به سوی سلامت و سعادت نسپاریم تا رحمت بی‌منت‌های الهی شامل حالمان شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هشداری ارزنده می‌فرماید:

تُوبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمُوتُوا.... (۱)

پیش از آنکه مرگتان فرا رسد، به سوی خدای خود توبه کنید....

شنیدن سخنان خوب

مؤمن - همچون عاشقی که در راه رسیدن به معشوق سر از پا نمی‌شناسد - نه تنها از آموختن مطالب

ص: ۱۴۱

حکمت آمیز و هر آنچه او را به سوی محبوب هدایت کند، خسته نمی‌شود، بلکه اشتیاق او برای شنیدن حکمت، روز به روز افزایش می‌یابد. وی چنان در این راه مصمم است که هیچ‌گونه ضعف و سستی در او دیده نمی‌شود. مؤمن حیات معنوی خود را به این سخنان خوب و باارزش وابسته می‌داند و از هم‌نشینی با عالمان مهذب و مطالعه کتاب‌های سودمند لذت می‌برد. هم‌نشینی با خوبان، خواه ناخواه آثار مثبتی در انسان بر جا می‌نهد. پس بکوشیم حق گوش را که شنیدن نیکوست، ادا کنیم.

پیامبر اسلام در تحسین این رویه پسندیده می‌فرماید:

لَنْ يَشْبَعَ الْمُؤْمِنُ مِنْ خَيْرٍ يَسْمَعُهُ حَتَّىٰ يَكُونَ مُنْتَهَاهُ الْجَنَّةَ. (۱)

مؤمن هرگز از شنیدن سخنان خیری که می‌شنود، خسته نخواهد شد تا به بهشت برسد.

ص: ۱۴۲

شهادت دروغ

دروغ یکی از گناهان بزرگ است و دروغ گو نزد مردم ارزش و جایگاهی ندارد، ولی بدترین دروغ آن است که شخص برای پای مال کردن حق دیگران، شهادت دروغ بدهد. این کار، روح فرد را به ناپاکی می‌آلاید و حقوق دیگران را ضایع می‌کند. شاهد دروغین، افکار را به راه خطا و ناصواب می‌کشاند.

در نتیجه، طرف مقابل نیز برای احقاق حق خود، به ستیزه‌جویی روی می‌آورد. پیامبر رحمت در هشدار به شهادت‌دهندگان دروغین می‌فرماید:

لَنْ تَزُولَ قَدَمُ شَاهِدِ الزُّورِ حَتَّى يُوجِبَ اللَّهُ لَهُ النَّارَ. (۱)

شاهد دروغین از جای نمی‌جنبد، مگر اینکه خداوند، دوزخ را بر او واجب می‌کند.

ص: ۱۴۳

ص

صداقت در تجارت

اگر تجارت و معامله، عادلانه و بر اساس قانون الهی باشد، بسیار پسندیده است، ولی بعضی سودجویان، از این رهگذر، به انواع بی‌رحمی‌ها دست می‌یازند. این زیاده‌طلبان، برای غارت اموال مردم، با انواع و اقسام حيله و بازار گرمی، اجناس خود را به چندین و چند برابر می‌فروشند و همچنان می‌پندارند که سرمایه مفیدی اندوخته‌اند. آیا درست است که افزون‌خواهان، با پنهان ساختن و انبار کردن اجناس مورد نیاز مردم، آن را به قیمت گزاف بفروشند و با گستاخی تمام، خود را مسلمان نیز بدانند؟ پیامبر خدا در توصیه به راستی و صداقت در کسب و کار می‌فرماید:

يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ إِنَّ اللَّهَ بَاعِثُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

ص: ۱۴۴

فُجَارًا إِلَّا مَنْ صَدَقَ وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ. (۱)

ای گروه تاجران! خدا شما را فاجر محشور می‌کند جز آنان که امین و درست کار هستند.

صله رحم

اسلام بر دیدار و رسیدگی به حال خویشاوندان بسیار تأکید کرده است. این امر، محبت و دوستی را بین اقوام و خانواده‌ها پدید می‌آورد و سبب می‌شود آنان در گاه گرفتاری، با انگیزه بیشتری به یاری یکدیگر بشتابند. البته باید کوشید این دیدارها، به محفلی برای بدگویی و غیبت دیگران تبدیل نشود. این دیدارها زمانی سودمند است که با بحث‌های مفید و آگاهی دادن به یکدیگر همراه باشد. پیامبر گرامی اسلام نیز برای دیدار و رسیدگی به خویشاوندان، اهمیت بسیاری قائل بود. ایشان می‌فرماید:

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ رَحِمٍ. (۲)

قطع کننده رحم وارد بهشت نخواهد شد.

۱- همان، ش ۳۲۰۴

۲- همان، ش ۲۵۳۳

ص: ۱۴۵

ض

ضیافت مقبول

ترتیب دادن مجلس مهمانی کار بسیار خردمندانه و پسندیده‌ای است، اگر:

۱. برای تحکیم رشته‌های محبت باشد.
 ۲. به شکرانه اعطای نعمتی از جانب خداوند باشد.
 ۳. سبب اسراف و هدر رفتن نعمت‌های الهی نگردد.
- در این صورت، نشست و برخاست‌ها، وسایل رشد مادی و معنوی افراد را فراهم می‌آورد. بنابراین، باید تلاش شود تا افزون بر پذیرایی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، دیگران را به وظایف انسانی‌شان آگاه سازیم. در این میان، آنچه مورد نکوهش اولیای الهی است، این است که دعوت شدگان تنها از میان ثروت‌مندان و صاحبان قدرت و شوکت باشند. به راستی آیا می‌توان انسان‌هایی را که

ص: ۱۴۶

تنها گناهشان، نداشتن مال و قدرت ظاهری است، از ورود به چنین مجالسی منع کرد؟ آیا این بزرگ‌ترین توهین به مقام انسانیت نیست؟ حضرت ختمی مرتبت می‌فرماید:

بِئْسَ الطَّعَامُ طَعَامُ الْعُرْسِ يَطْعَمُهُ الْأَغْنِيَاءُ وَيُمْنَعُهُ الْمَسَاكِينُ. (۱)

چه بد است خوراک عروسی که ثروت‌مندان از آن بخورند و فقیران محروم بمانند.

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۰۸۰

ص: ۱۴۷

ط

طلب عافیت برای دیگران

برخی انسان‌ها پیش از دعا برای خود، در حق دیگران دعا می‌کنند و این نشان‌دهنده علاقه و محبتی است که نسبت به دوستان و نزدیکان خود دارند. تجربه نشان داده است چنین کسانی زودتر از دیگران به حاجت خود می‌رسند. شاید این موفقیت سریع آنان به دلیل گذشت و نیت پاک آنان باشد؛ زیرا چه بسا دعای خالصانه آنان بدون اطلاع و تقاضای طرف مقابل، صورت می‌گیرد و این، نشان‌دهنده اخلاص و علاقه بسیار آنان به شخص دعا شده است. رسول اسلام یکی از رمزهای اجابت دعا را چنین معرفی می‌کند:

اطْلُبِ الْعَافِيَةَ لِغَيْرِكَ تَزُوقَهَا فِي نَفْسِكَ. (۱)

برای دیگران عافیت بخواه تا نصیب تو گردد.

ص: ۱۴۹

ع

عالم به دنیا و جاهل به آخرت

دانش زمانی ارزشمند است که به مسائل مادی و دنیوی محدود نگردد و سعادت دنیا و آخرت صاحب دانش را تأمین کند. امروز بیشتر ویرانی‌ها و خرابی‌ها، به دلیل نگاه یک بُعدی به علوم بوده است. به گونه‌ای که برخی در مسائل مادی اطلاعات بسیار ریز و دقیقی دارند، ولی متأسفانه در مسائل دینی و اخروی بسیار کم‌خبرند.

بنابراین، چنانچه علوم مادی با علوم مربوط به دین و آخرت همراه شود، بشر را به سعادت و سربلندی می‌رساند. هر عالمی باید با توجه به فایده‌های دنیوی و اخروی هر علم، با بینشی درست و حساب شده، آن را به کار برد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

ص: ۱۵۰

إِنَّ اللَّهَ يُغِضُ كُلَّ عَالِمٍ بِالْدُّنْيَا جَاهِلٍ بِالْآخِرَةِ. (۱)

خداوند هر کسی را که به کار دنیا، دانا و در کار آخرت، نادان است، دشمن می‌دارد.

عبادت مخفی

برخی عبادت‌ها در دین اسلام، جنبه شعاری دارند؛ یعنی برای تعظیم شعایر، باید آنها را آشکارا انجام داد. عبادت‌هایی چون اذان، نماز جماعت، حج و جهاد، روح یگانگی را در همگان تقویت می‌کند و مردم را در راه اجرای آنها مصمم‌تر می‌سازد. بعضی دیگر از عبادت‌ها باید مخفیانه انجام گیرد.

عبادت‌هایی مانند نماز شب، روزه و دستگیری از مستمندان اگر پنهانی انجام گیرد، ارزشمندتر و مطلوب‌تر است؛ زیرا بیم ریاکاری و وسوسه‌های شیطانی در این موارد زیاد است. پیامبر گرامی اسلام تأکید دارد که این گونه کارها پنهانی صورت گیرد تا جنبه خودنمایی به خود نگیرد و پاداش آن از بین

ص: ۱۵۱

نرود. بنابراین می‌فرماید:

اعْظَمُ الْعِبَادَةِ اجْرًا اَخْفِيهَا. (۱)

بالاترین عبادت از نظر پاداش، مخفی‌ترین آنهاست.

عذرپذیری

گاهی انسان در برخوردهای اجتماعی خویش، با دیگران اختلاف پیدا می‌کند که گاه به مشاجره لفظی یا برخورد فیزیکی می‌انجامد، ولی سرانجام ممکن است خود آن فرد یا با واسطه نزدش بیاید و عذرخواهی کند. در چنین حالی، مرّوت و جوان‌مردی اجازه نمی‌دهد دست رد به سینه او بزنیم؛ زیرا وی خودش را شرمسار می‌داند و از عذاب وجدان رنج می‌برد. پسندیده است که با برخوردی بزرگووارانه، عذرش را بپذیریم و برای انجام این کار نیک، از او سپاس‌گزاری کنیم. رسول گرامی اسلام در این باره می‌فرماید:

ص: ۱۵۲

مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُتَنَصِّلٍ صَادِقًا كَانَ أَوْ كَاذِبًا لَمْ يَنْلُ شَفَاعَتِي. (۱)

هرکس عذر پوزش گری را- راست باشد یا دروغ- نپذیرد، به شفاعت من نمی‌رسد.

عزت نفسی

برخی نیازمندان چون طبع بلند دارند، همواره می‌کوشند خود را بی‌نیاز نشان دهند و به اصطلاح «با سیلی، صورت خود را سرخ نگه دارند». در مقابل، به افرادی برمی‌خوریم که با داشتن رفاه و برخورداری از امکانات مالی، همچنان دست نیاز به سوی این و آن دراز می‌کنند. اینان، فرومایگانی هستند که به آسانی، عزت نفس خود را از دست می‌دهند و دین و شخصیت خود را می‌فروشند. آیین اسلام به پیروانش دستور می‌دهد که هیچ‌گاه شخصیت والای خود را به بهای ناچیز نفروشد و برای به دست آوردن نیازهای مادی خویش،

ص: ۱۵۳

به سوی این و آن دست دراز نکنند. پیامبر عظیم‌الشأن اسلام می‌فرماید:

إِسْتَعْنُوا عَنِ النَّاسِ وَ لَوْ بِشَوْصِ السَّوَاكِ. (۱)

از مردم بی‌نیاز باشید و از آنان، یک قطعه چوب مسواک هم نخواهید.

عفو به هنگام قدرت

هر انسانی حق دارد نسبت به آن مقدار حقی که از او ضایع شده است، دادخواهی کند و حق خود را باز پس گیرد. با این حال شایسته است انسان خود را به گونه‌ای تربیت کند که عفو و بخشش را اصل قرار دهد و فقط در مواردی که ضرورت دارد، از حق انتقام استفاده کند. این خصلت، ویژه کسانی است که از کرامت نفس و روحیه والای گذشت برخوردارند. چه بسا ممکن است با این روح بزرگوارشان، انسان‌های گناه کار و متجاوز را دگرگون سازند و به پاسداری از حقوق دیگران، رهنمون شوند. پیامبر

ص: ۱۵۴

رحمت در این باره می‌فرماید:

اِذَا قَدَرْتَ عَلَيَّ عَدُوَّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيَّ. (۱)

وقتی بر دشمنت چیره شدی، عفو را شکرانه این چیرگی قرار ده.

عیادت از بیماران

نشاط روحی و روانی تأثیر فراوانی در بهبودی بیماری دارد. بیمار به دلیل درد و رنج، به غم و اندوه مبتلا می‌شود و با فرو رفتن در خود، خزیدن در گوشه تنهایی و دوری از اجتماع، بر عذاب روح خود می‌افزاید. پیامبر عزیز اسلام به دوستان و خویشان بیمار توصیه می‌کند که به دیدار وی بروند؛ چون برای قدم‌هایی که در این راه برمی‌دارند، ثواب‌های فراوانی در نظر گرفته شده است. آن‌گاه که کنار بیمار می‌نشینید، از خوشی‌ها و امیدها و سلامتی سخن بگویید تا حالت نشاط و

ص: ۱۵۵

سرزندگی و امید در او پدید آید و با روحیه مناسب با بیماری مبارزه کند. ایشان در سخنی جاودانی می‌فرماید:

عائِدُ الْمَرِيضِ يَمْشِي فِي طَرِيقِ الْجَنَّةِ حَتَّى يَرْجِعَ. (۱)

کسی که بیماری را عیادت می‌کند، تا هنگامی که باز می‌گردد، در راه بهشت قدم می‌زند.

عیادت بیماران، آداب و شرایط ویژه‌ای دارد.

بیمار به استراحت و آرامش جسمی و روحی نیاز دارد. از این رو، عیادت طولانی نه تنها او را شادمان نمی‌کند، بلکه مایه رنجش خاطر وی نیز خواهد شد. همچنین شایسته است عیادت کننده هنگام دیدار، ارمغانی را که با ذایقه بیمار سازگار است، به او هدیه کند. عیادت کننده نباید بسیار سخن بگوید، بلکه باید برای سلامتی بیمار دعا کند و وعده بهبودی بدهد تا او را به آینده امیدوار سازد. پیامبر ارجمند اسلام در ستایش این عمل پسندیده و توجه

ص: ۱۵۶

به آداب آن می‌فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَجْرًا سُرْعَةُ الْقِيَامِ مِنَ عِنْدِ الْمَرِيضِ. (۱)

از بهترین عبادت این است که از نزد بیمار، زودتر برخیزی.

۱- همان، ش ۴۱۲

ص: ۱۵۷

ع

غذای دسته جمعی

یکی از آسیب‌های زندگی ماشینی و صنعتی این است که به دلیل کثرت مشاغل و نیازهای مادی، میان افراد خانواده‌ها جدایی انداخته است. کمتر اتفاق می‌افتد که همه اعضای یک خانواده، بر سر یک سفره، غذا بخورند. این وضعیت، به تدریج، روح انزواطلبی را در افراد خانواده پدید می‌آورد و از محبت و الفت آنان نسبت به یکدیگر می‌کاهد. هم‌نشینی و گرد آمدن بر سر یک سفره، صمیمیت و صفای خاصی دارد و حتی لذت خوردنی‌ها را در ذائقه انسان افزایش می‌دهد. چه بسا مشکلات خانوادگی هم پس از خوردن غذا، قابل بررسی و نتیجه‌گیری است. پیامبر رحمت درباره دل‌چسب بودن خوردنی‌ها می‌فرماید:

ص: ۱۵۸

أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الْيَدَى. (۱)

بهترین غذاها آن است که گروه زیادی بر گرد آن بنشینند.

غرور علمی

بی‌شک، بهره‌مندی از دانش، کمال انسانی است و همه مردم، دوستدار دانش و دانشمندانند. دانشمندان همانند درختان میوه، هرچه پر بارتر باشند، بیشتر فروتن خواهند شد. گذشته از عالمان واقعی، عده‌ای نیز بی‌دلیل، ادعای برخورداری از دانش را دارند. در حقیقت، این مدعیان دروغین که با تبلیغات نادرست، برای خویش، مقام و موقعیتی کسب کرده‌اند، از تجربه‌های علمی بی‌بهره‌اند. دانشمندان واقعی هیچ‌گاه در دانش خود، تظاهر نکرده‌اند و از دانش خود، برای تکامل مادی و معنوی جامعه استفاده می‌کنند. پیامبر گرامی اسلام به مدعیان دانش هشدار می‌دهد:

۱- همان، ش ۸۲

ص: ۱۵۹

مَنْ سَمِعَ النَّاسَ بِعِلْمِهِ سَمِعَ اللَّهُ بِهِ مَسَامِعَ خَلْقِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ حَقَّرَهُ وَ صَغَّرَهُ. (۱)

هر کس، گوش مردم را از علم خود پر کند [و به آن ببالد]، خداوند در روز رستاخیز، گوش مردم را از رسوایی وی پر و او را حقیر و ناچیز می‌سازد.

غنیمت شمردن لحظه‌ها

حقیقت این است که هیچ کس نمی‌تواند به زندگی فردای خود اعتماد داشته باشد؛ زیرا هر لحظه در معرض مرگ است و نمی‌داند چه چیزی برایش اتفاق خواهد افتاد. چگونه انسان می‌تواند فردا را جزو عمر خود به حساب آورد، در حالی که پیرامون خویش، کسانی را می‌بیند که در یک چشم برهم زدن با مرگ طبیعی یا حوادث ناگهانی، به سوی سرای دیگر کوچ می‌کنند. پس برای تهیه ره‌توشه آخرت، با امید به فردا و فرداها نمی‌توان زیست.

ص: ۱۶۰

باید لحظه‌ها را غنیمت دانست و از آن بهره برد؛ زیرا جز ذات الهی، کسی نمی‌داند چه سرنوشتی برای فردی او رقم خورده است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره امید داشتن واهی به فرداها می‌فرماید:

مَنْ عَدَّ غَدًا مِنْ أَجَلِهِ فَقَدْ أَسَاءَ صُحْبَةَ الْمَوْتِ. (۱)

هر کس، فردا را از عمر خویش شمارد، مرگ را خوب نشناخته است.

ص: ۱۶۱

ف

فداکاری برای دین

در اسلام، مال و جان و دین اهمیت ویژه‌ای دارند و انسان مسلمان باید در برابر به خطر افتادن هر یک از آنها حساسیت نشان دهد و برای احیای آنها مبارزه کند. البته اهمیت اینها به یک اندازه نیست. درست است که مال و جان ارزشمندند و به دفاع نیاز دارند، ولی وقتی پای دین به میان می‌آید، همه چیز را تحت الشعاع قرار می‌دهد. پیشوایان ما نیز وقتی صحبت دین به میان می‌آمد، دشوارترین سختی‌ها و از دست دادن اموال را به راحتی تحمل می‌کردند تا دین پاینده بماند. این گذشت‌ها در زندگی ائمه معصومین به ویژه پیامبر گرامی اسلام به خوبی دیده می‌شود. ایشان در ۲۳ سال سخت‌ترین شرایط را در مکه و مدینه تحمل کرد تا نهال اسلام بارور شود و انسان‌ها بتوانند در پرتو آموزه‌های دینی راه کمال و

ص: ۱۶۲

سعادت بپیمایند. ایشان در پندی گران‌بها به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

وَ اَبْدُلْ مَالَكَ وَ نَفْسَكَ دُونَ دِينِكَ. (۱)

مال و جان‌ت را در راه دین خود فدا کن.

فریب‌کاران

مردم دو دسته‌اند؛ گروهی راه صواب می‌پیمایند و دیگران را یا از هم‌نوعان خود یا از هم‌کیشان خویش می‌شمارند. از این‌رو، در برخوردهای فردی و اجتماعی با صداقت و سلامت با آنان روبه‌رو می‌شوند. گروه دیگر، در پی حيله‌گری و فریب دادن دیگران برای به دست آوردن مقام و موقعیت اجتماعی یا زرق و برق دنیایی برمی‌آیند و برای به دست آوردن توشه دو روزه دنیا، از زیان رساندن به دیگران هیچ‌گونه پروایی ندارند. اینان در روابط اجتماعی خود با دیگران از در نیرنگ وارد می‌شوند. بی‌شک، مردم در رویاروی با این افراد سودجو،

ص: ۱۶۳

آرامش خویش را از دست می‌دهند و تلاش می‌کنند از شر نقشه‌های آنان رها شوند. این افراد، اعتماد اجتماعی را از میان می‌برند و امنیت روانی را نابود می‌سازند. چگونه است که بعضی افراد، از مسلمانی و پیروی از اسوه فضیلت و تقوا؛ یعنی پیامبر گرامی اسلام دم می‌زنند، ولی در عمل، هیچ بهره‌ای از رفتار پیامبر ندارند. حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله این افراد را از دایره مسلمانی جدا می‌سازد و می‌فرماید:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَأْكْرَهُ. (۱)

کسی که با مسلمانی غل و غش کند یا به او زیان برساند یا با او از در مکر و خدعه درآید، از ما نیست.

۱- تحف العقول، ص ۴۲

ص: ۱۶۵

ق

قرض گرفتن

برخی عادت کرده‌اند که به شیوه‌های گوناگون از دیگران، پول قرض بگیرند. این افراد به دلیل فزونی بدهی‌ها، آسایش روحی و روانی خود را از دست می‌دهند و همیشه در اندیشه بازپرداخت دین‌های خود هستند و چه بسا آرزو می‌کنند که کاش به این کار دست نمی‌زدند. اگر این اشخاص با چشم‌پوشی از زیاده‌خواهی، به آنچه داشتند، راضی می‌شدند و زندگی خود را متناسب با دارایی خویش تنظیم می‌کردند، به چنین بلایی گرفتار نمی‌شدند. رعایت اعتدال در فراهم آوردن امکانات رفاهی زندگی سبب خواهد شد افراد، بی‌دلیل زیر بار سنگین قرض‌های متعدد فرو نروند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، دین و بدهی را به از دست دادن آزادی تعبیر کرده و فرموده است:

ص: ۱۶۶

اِقْلٌ مِنَ الدِّينِ تَعِشْ حُرًّا. (۱)

قرض کمتر بگیر، تا آزاد زندگی کنی.

قناعت

قناعت پیشگان در برابر حوادثی که به گونه‌ای شرف و عزت آنان را به خطر می‌اندازد، پایدارند. قناعت، فرصت مناسبی را برای آدمی فراهم می‌کند تا جنبه‌های معنوی خویش را تقویت کند و به آسایش و خوشبختی جاودان برسد. قناعت از حرص و آزمندی انسان پیش‌گیری می‌کند و به او اعتدال می‌بخشد. فرد قانع، وقت گران‌بهای خود را صرف خواسته‌های نابجا نمی‌کند و آسان‌تر می‌تواند نردبان تعالی و تکامل را ببیند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به پیروان خود توصیه می‌کند که به این ویژگی پسندیده آراسته شوند:

عَلَيْكُمْ بِالْقَنَاعَةِ فَإِنَّ الْقَنَاعَةَ مَالٌ لَا يُنْفَدُ. (۲)

به قناعت خو کنید؛ که به راستی، قناعت مالی پایان‌ناپذیر است.

۱- نهج الفصاحه، ش ۴۳۲

۲- همان، ش ۱۹۸۰

ص: ۱۶۷

ک

کم حوصله بودن

کم حوصله بودن یا نشانه بیماری جسمی است یا از ضعف روحی حکایت دارد. انسانی که از روح و جسمی سالم برخوردار است، توانِ رویارویی با مشکلات را دارد و هیچ‌گاه خود را نمی‌بازد و هیاهو به راه نمی‌اندازد. در مقابل، انسان‌های کم حوصله، به تدریج محبوبیت خویش را از دست می‌دهند و در مواقع حساس، از قضاوت و تصمیم‌گیری درست باز می‌مانند. انسان‌های صبور و مقاوم که از نعمت صبر و دقت نظر بهره‌مندند، هیچ‌گاه در کارها و اظهارنظرهای خود، شتاب نمی‌کنند. به گفته پیامبر گرامی اسلام، در امور مربوط به دنیا با حوصله و تأمل اقدام کنید، ولی در کارهای خیر و فراهم ساختن توشه آخرت، به خود تردید راه ندهید:

ص: ۱۶۸

التَّوَدُّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ خَيْرٌ أَلَّا فِي عَمَلِ الْآخِرَةِ. (۱)

حوصله کردن در همه چیز خوب است جز در کار آخرت.

کمک به نابینایان

هرچند انسان‌ها از نظر شخصیتی با هم فرقی ندارند، ولی ممکن است افرادی به دلیل نداشتن قدرت بینایی، در انجام دادن بعضی کارها، نیازمند کمک دیگران باشند. انسان مسلمان در این باره، وظیفه‌ای دارد و نباید آسوده خاطر باشد. هر انسان با وجدان و آزاده‌ای، وظیفه دارد به هم‌نوعان خود کمک کند.

شکرانه دست توانا و نعمت‌های فراوان الهی، گرفتن دست ناتوان است. اگر ما بگوییم دیگران به او کمک می‌کنند و به کمک من نیازی ندارد، ممکن است دیگران نیز چنین تصویری داشته باشند. در نتیجه، انتظارهای آن نیازمند بی‌پاسخ می‌ماند. پیامبر گرامی ما درباره کمک و یاری رساندن به نابینایان می‌فرماید:

ص: ۱۶۹

مَنْ قَادَ اَعْمَى اَرْبَعِينَ خُطْوَةً غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ. (۱)

هر کس، نابینایی را تا چهل قدم بکشد، گناہانی که تاکنون کرده است، آمرزیده خواهد شد.

کوچک شمردن مشکلات

اگر انسان اراده کند، می‌تواند به تدریج، به نیرویی دست یابد که تحمل مشکلات را آسان پندارد. این مسئله با قدرت تحمل آدمی، رابطه مستقیم دارد. اگر مشکلات را کوچک شمارد و با آن مبارزه کند، می‌تواند به راحتی بر مشکلات بزرگ نیز چیره شود. این همه در سایه پشتکار و ایستادگی ممکن است و مهم این است که در برابر گرفتاری‌ها، خود را نبازد و از میدان به در نرود. گاهی انسان در رویایی با مشکلات، از آن معضل، تصویر نادرستی در ذهن خود ترسیم می‌کند؛ یعنی مشکل بسیار بزرگ‌نمایی می‌شود. در حالی که با کوچک شمردن مشکلات

ص: ۱۷۰

بزرگ، می‌توان بر آن چیره شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

لَا سَهْلَ إِلَّا مَا جَعَلَتْ سَهْلًا. (۱)

هر قدر آسان بگیری، آسان می‌گذرد.

کیفیت بخشیدن به کار

برخی عادت کرده‌اند که با سهل‌انگاری کارهای خود را بدون کیفیت انجام دهند و پیش از انجام درست یک کار، به کار دیگری پردازند. آشکار است که در این صورت، انسان نمی‌تواند از کارهای آنان بهره‌برداری کند. در مقابل، افراد نیکی هستند که به دلیل تعهد خویش، کارهایی که به آنان سپرده می‌شوند، به بهترین صورت انجام می‌دهند و محبوبیت مردمی و رضایت الهی را از آن خود می‌سازند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه به این مهم می‌فرماید:

يُحِبُّ اللَّهُ الْعَامِلَ إِذَا عَمِلَ أَنْ يَحْسُنَ. (۲)

خداوند دوست دارد که انسان وقتی کاری انجام می‌دهد، آن را خوب و کامل کند.

۱- همان، ش ۲۴۹۸

۲- همان، ش ۳۲۱۷

ص: ۱۷۱

گ

گذشت

داشتن روحیه گذشت، نشانه همت بلند و قدرت استقامت فرد است. کسانی که روحیه گذشت دارند، افزون بر اینکه می‌توانند در برابر سختی‌های روزگار استقامت کنند، بر نیروی خشم خود نیز مسلط خواهند شد. چنین افرادی این قدرت را دارند تا در مقابل بی‌ادبی، آرامش خویش را حفظ و حتی در بعضی موارد، از تقصیر دیگران چشم‌پوشی کنند. از نظر اسلام، انسان‌های با گذشت در این جهان، به ناراحتی و ناملايمات گرفتار نمی‌شوند و در آخرت نیز از لطف و محبت خاص الهی بهره‌مند خواهند شد. در حقیقت، آنان بلند همتند و خداوند به دلیل عظمت وجودی‌شان، آنان را در پناه لطف و عنایت خاص خود قرار می‌دهد. پیامبر رحمت می‌فرماید:

ص: ۱۷۲

اسْمَعُ يُسْمَعُ لَكَ. (۱)

آسان گیر تا بر تو آسان گیرند.

ایشان در حدیث دیگری می‌فرماید:

خُلِقَانِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ ... فَأَمَّا اللَّذَانِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ فَالَسَّخَاءُ وَالسَّمَاخَةُ. (۲)

خدا، دو صفت را دوست دارد ... ولی آن دو چیزی که خدا دوست دارد، بخشش و گذشت است.

گردش ایام

انسان خردمند، از گردش روزگار و پیشامدها و حوادث غافل نیست و از همه آنها درس عبرت و سازندگی می‌آموزد. افراد بسیاری از بهترین امکانات مادی برخوردار بودند، ولی اینک به تکه‌ای نان محتاج شده‌اند یا چه بسا آدم‌هایی که آه در بساط نداشتند، ولی امروز صاحب مال و منال فراوانند. چه افراد توانمندی که نعمت سلامتی و قدرت

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۹۳

۲- همان، ش ۱۴۵۴

ص: ۱۷۳

جسمانی داشتند، ولی اینک زمین گیر شده‌اند. آیا بهتر نیست انسان از آنچه در پیرامونش می‌گذرد، درس عبرت بگیرد و به قدرت جسمانی و مال و دارایی خود مغرور نشود؟

به یاد آوریم این سخن ظریف قائم مقام فراهانی را:

روزگار است این، که گه عزت دهد، گه خوار دارد چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها، بسیار دارد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

كَفَى بِالذَّهْرِ وَاِعْظًا وَبِالْمَوْتِ مُفَرِّقًا. (۱)

چه آموزگاری است روزگار و چه جماعت پراکنی است مرگ!

گشاده‌رویی

بسیار اتفاق می‌افتد که انسان حال مناسبی دارد، ولی در برخورد با افراد اخم‌آلود و در خود فرورفته، حال خوش خود را از دست می‌دهد. همچنین چه بسا از

ص: ۱۷۴

پیشامدی، اندوهگین است، ولی با افرادی که چهره‌ای بشاش و خوش رو دارند، روبه‌رو می‌شود و غم و غصه‌های خویش را از یاد می‌برد. در حقیقت، گشادگی چهره یا درهم کشیدن آن، به اختیار انسان است؛ با خوش‌رویی، می‌تواند توجه دیگران را به خود جلب کند و با اخم و ناراحتی، دیگران را از خود خواهد راند. پیامبر گرامی اسلام، گشاده‌رویی را نوعی صدقه شمرده است و می‌فرماید:

مِنَ الصَّدَقَةِ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى النَّاسِ وَأَنْتَ طَلِقُ الْوَجْهِ. (۱)

از جمله صدقات این است که با گشاده‌رویی به مردم سلام کنی.

گشایش در زندگی

خداوند به هر کس به اندازه مناسب، نعمت و روزی می‌دهد و دوست دارد بنده‌ای به اندازه گشایش در زندگی، برای خود و اهل و عیالش تسهیلاتی فراهم آورد. بعضی از انسان‌ها فکر می‌کنند هرچه آدمی

ص: ۱۷۵

ناچیزتر باشد و از امکانات مالی بهره نگیرد، رضایت الهی را بهتر به دست آورده است، در حالی که چنین اندیشه‌ای درست نیست. استفاده متعادل از زندگی متناسب با شأن آدمی، مطلوب خداوند و توصیه ائمه معصومین علیهم السلام است. درست است که آدمی نباید برای به دست آوردن زندگی بهتر، از عزت و آبروی خود هزینه کند و دست نیاز به سوی این و آن بگشاید، ولی وقتی خداوند، گشایشی در زندگی او ایجاد کرد و نعمتی را به او ارزانی داشت، حق استفاده از آن را دارد. در این صورت، خداوند نیز راضی تر است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ أَنْ يَرَىٰ أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَيْهِ وَيُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَالتَّبَوُّسَ. (۱)

هر وقت خداوند نعمتی به بنده‌ای داد، دوست دارد اثر آن نعمت را بر آن بنده ببیند و از فقر و حالت ناداری به خود گرفتن، بدش می‌آید.

گوهرهای درخشان

دستیابی به اهداف انسانی در پرتو داشته‌های کمالی امکان‌پذیر خواهد بود. ایمان از عواملی است که آدمی را در برابر لغزش حفظ می‌کند و همچون سپری است محکم در برابر هجوم افکار شیطانی و حصاری است که سعادت و سلامت دنیوی و اخروی را در خود جای داده است. در کنار ایمان و پرهیزگاری، علمی که بتواند برای او و دیگران ثمربخش باشد و همچنین تدبری که وی را به نرم‌خویی فراخواند تا با دیگران به مدارا رفتار کند، بسیار ارزشمند است. اگر آدمی، پرهیزگار باشد، خود را نیز به زیور دانش بیاراید و وسیله سنجش اعمالش، عقل و تدبیر باشد، می‌تواند منشأ عمل خیر باشد. رسول گرامی اسلام نیز بر این سه گوهر ارزشمند تأکید کرده است و می‌فرماید:

ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ لَمْ يَقُمْ لَهُ عَمَلٌ: وَرَعٌ

ص: ۱۷۷

يَحْجُزُهُ عَنْ مَعْاصِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَعِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ السَّفِيهِ وَعَقْلٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ. (۱)

سه چیز است که اگر در کسی نباشد، عملی از او سر نمی‌زند: پرهیزگاری که او را از نافرمانی‌های خداوند متعال باز دارد؛ دانشی که با آن، نادانی آدم نادان را برطرف سازد؛ عقلی که به وسیله آن، با مردم به مدارا رفتار کند.

۱- همان، ص ۷

ص: ۱۷۹

ل

لبخند

بعضی چهره‌ای گرفته و خشن دارند، به گونه‌ای که آدمی با دیدن آنان به یاد گرفتاری‌های خویش می‌افتد. بعضی نیز چهره‌ای تبسم‌آمیز و روحیه‌ای شاد دارند که دیگران با دیدن آنان، رنج و مصیبت خود را از یاد می‌برند و دوست دارند ساعت‌ها با آنان باشند. افراد خنده‌رو به سرعت در قلب دیگران، نفوذ و محبت آنان را به خود جلب می‌کنند. به گونه‌ای که انسان، ناخودآگاه احساس می‌کند سالیان درازی است با آنان آشنایی و صمیمت دارد. باری، اولیای الهی نیز همواره با چهره‌ای گشاده و شاد با مردم روبه‌رو می‌شوند که در این میان، پیامبر رحمت، زبازد خاص و عام است. آن وجود نازنین می‌فرماید:

تَبَسُّمُكَ فِي وَجْهِ اخِيكَ لَكَ صَدَقَةٌ. (۱)

لبخند تو بر روی برادرت، برای تو صدقه‌ای است.

ص: ۱۸۰

لجابت و ستیزه‌جویی

افراد ستیزه‌جو، انسان‌های خودخواه و بی‌گذشتی هستند که می‌کوشند با لجابت و دشمنی با دیگران، رنج و ناراحتی درونی خویش را کاهش دهند. این در حالی است که هرچه میزان لجابت و ستیزه‌جویی آنان بیشتر شود، فشار روحی و جسمی آنان نیز افزایش می‌یابد. برعکس، آدم‌های معتدل همواره می‌کوشند تحت تأثیر احساسات ناشی از خشم و غریزه قرار نگیرند و بی‌درنگ به ستیزه‌جویی و لجابت نپردازند. بسیار اتفاق افتاده است که کنترل نفس و بردباری، نتیجه شیرین و خوشایندی چون مودت و دوستی به همراه داشته است و فردی که ممکن بود با یک برخورد تند و ناسنجیده، در شمار مخالفان و دشمنان انسان درآید، به یکی از دوستان و مریدان او تبدیل شده است. نه تنها افراد جامعه به انسان لجوج، بی‌اعتنا می‌شوند، بلکه خداوند نیز او را از عنایت خود محروم می‌کند.

ص: ۱۸۱

پیامبر عطف و مدارا می‌فرماید:

ابغَضُ الرَّجَالِ إِلَى اللَّهِ أَلَدُّ الْخِصْمِ. (۱)

منفورترین مردان نزد خدا، مرد لجوج و ستیزه‌جوست.

۱- همان، ش ۱۸

ص: ۱۸۳

م

مبارزه با هوای نفس

به هر میزان که انسان خواهان امیال نفسانی باشد، به همان اندازه، از نیروی عقل و اراده فاصله می‌گیرد. آدمی به دلیل افراط در هواپرستی، سست اراده و بی‌اختیار می‌شود و همه فضایل انسانی را از دست می‌دهد. از نظر اسلام، منشأ همه گناهان، پیروی بی‌چون و چرا از هوای نفس است و پرهیزگار کسی است که از دام هوا و هوس رهیده باشد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، هوس‌گريزان را از شجاعان امت خویش می‌شمارد و می‌فرماید:

اشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ. (۱)

شجاع‌ترین مردم کسی است که بر خواسته‌های نفسانی چیره شود.

مدارا با بدهکاران

چون برخی افراد، امکانات مالی بسیاری ندارند، ممکن است در پاره‌ای موارد، وام بگیرند، ولی از بازپرداخت آن در زمان تعیین شده، ناتوان باشند. در این حال، برخورد وام دهندگان متفاوت است.

گروهی با سعه صدر و واقع‌نگری، در صدد تمدید بازپرداخت برمی‌آیند یا حتی در پاره‌ای موارد، آن را می‌بخشند که البته از پاداش فراوانی برخوردار خواهند شد. گروهی دیگر با سرسختی و لجاجت بسیار تلاش می‌کنند که به هر شکل ممکن، حتی با آبروریزی و فشار و سخت‌گیری بر بدهکار، طلب خود را باز پس بگیرند که کار بسیار نکوهیده‌ای است. به یقین، اگر کسی با بزرگواری و درک موقعیت طرف مقابل، با بدهکار مدارا کند، در پیش‌گاه خداوند روسپید خواهد بود. بر این اساس، رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَنْ نَفَسَ عَنْ غَرِيمِهِ أَوْ مَحَى عَنْهُ كَانَ فِي ظِلِّ

ص: ۱۸۵

الْعَرْشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

هر که به بدهکار خویش مهلت دهد یا قرض او را ببخشد، روز قیامت در سایه عرش الهی خواهد بود.

مدارای مشروط

تا آنجا که می‌توان و شریعت به ما اجازه داده، نرمش و مدارا با مردم پسندیده است. در حقوق شخصی و امور جاری، باید از لغزش دیگران چشم پوشید و با گذشت، با آنان روبه‌رو شد. البته مدارا با مردم آن‌گونه نیست که در صورت آسیب دیدن دین، حیثیت و عزت آدمی با دیگران کنار بیاییم؛ زیرا کوتاه آمدن در این موارد، رفته رفته از ارزش و اهمیتشان می‌کاهد و آنها را به اموری معمولی و ابتدایی تبدیل می‌کند. اگر قرار باشد آدمی در برابر حق‌کشی یا حق‌گریزی، در برابر دیگران کنار بیاید، چگونه می‌توان دوام و قوام ارزش‌ها را انتظار داشت.

ص: ۱۸۶

ارزش‌ها حساسند و واکنش مدافعانه در برابر آنها لازم و ضروری است، ولی همان‌گونه که گفته شد، در برابر چیزهای کم‌ارزش و غیراصولی نباید سخت‌گیری نشان داد؛ زیرا با گذشت می‌توان دیگران را نسبت به شخصیت خود و دستورهای اخلاقی و ظریف پیامبر گرامی اسلام متمایل ساخت. حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره نوع مدارا با مردم می‌فرماید:

رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ مُدَارَةُ النَّاسِ فِي غَيْرِ تَزَكٍّ حَقًّا. (۱)

عقلانه‌ترین کارها پس از ایمان به خداوند، مدارا کردن با مردم است، به گونه‌ای که حقی ضایع نشود.

مردم آزاری

مردم آزاری در اجتماع نمودهای گوناگونی دارد. برای مثال، همسایه‌ای با بی‌مبالاتی و سر و صدای

ص: ۱۸۷

زیاد، کارمندی با بی‌پاسخ گذاشتن خواسته ارباب رجوع، راننده‌ای با بوق‌های زدن‌های ممتد و بی‌جا و نیز دیگران با صدها کردار خلاف و دور از نزاکت، سبب رنجش خاطر اطرافیان می‌شوند. از آن بدتر وقتی است که در برابر هرگونه اعتراض، خود را بی‌گناه و حتی صاحب حق می‌دانند. آیا پسندیده است که آسایش و آرامش دیگران را به هم بریزیم و خود را بی‌گناه نیز بدانیم؟ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در نکوهش این رفتار ناپسند می‌فرماید:

كُلُّ مُؤَذِّ فِي النَّارِ. (۱)

هر آزارگری در دوزخ است.

مزد کارگر

بنا بر وظیفه اخلاقی و انسانی، انسان باید حق کارگر را با احترام به او بپردازد و حتی اگر پرداخت مزد بدون درخواست کارگر انجام گیرد، پسندیده‌تر است. بعضی افراد نه تنها پس از انجام کار، قدردانی.

۱- همان، ش ۲۱۷۱

ص: ۱۸۸

نمی‌کنند، بلکه با منت نهادن، حقوق کارگر را می‌پردازند که اسلام، این کار را بسیار نکوهش کرده است. همچنین بسیار شایسته است اگر کارگری بیش از مقدار کارش، تلاش کرد و کار را به خوبی به پایان رساند، مزد بیشتری به او پرداخت شود. پرداخت مزد نیز باید در زودترین وقت ممکن انجام شود. پیامبر گرامی اسلام، دست کارگران را می‌بوسید و به آنان بسیار احترام می‌گذاشت. ایشان می‌فرماید:

... اعْطِ الْأَجِيرَ حَقَّهُ قَبْلَ أَنْ يَجُفَّ عَرَقُهُ. (۱)

... پیش از اینکه عرق کارگر خشک شود، حق او را بپردازید.

مشورت

انسان در هر مرتبه از آگاهی و دانش قرار داشته باشد، هرگز از مشورت بی‌نیاز نخواهد شد. تجربه ثابت کرده است که گاهی انسان در مسائل ساده نیز

ص: ۱۸۹

دچار اشتباه و غفلت می‌شود، در حالی که اگر با افراد آگاه و با تجربه مشورت می‌کرد، به این اشتباه دچار نمی‌شد. هنگامی که انسان با کسی مشورت می‌کند، فکر او را با فکر خود شریک می‌سازد. در حقیقت، نیروی فکری او قوی‌تر می‌شود و بدین ترتیب، از اشتباه در امان می‌ماند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه به مشورت می‌فرماید:

لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ. (۱)

پشتیبانی مطمئن‌تر از مشاوره نیست.

ملاحظه‌کاری

اخلاص و خدامحوری در انجام دادن کارها سبب موفقیت و ذخیره‌سازی پاداش آن برای جهان آخرت می‌شود. اخلاص، اکسیری است که در برخورد با کار و تلاش، آن را پربها و مانا می‌سازد و در جریده عالم ثبت می‌کند؛ همان‌گونه که ریا و خودنمایی از ارزش کار می‌کاهد و آن را مانند کف

۱- نهج الفصاحه، ش ۲۵۰۶

ص: ۱۹۰

روی آب، زودگذر و بی‌دوام می‌سازد. بنابراین، مغز کارها، اخلاص و انجام عمل برای خداوند است و باید به کارها رنگ خدایی زد تا ماندگار شود. وقتی کاری مورد رضایت الهی است، هرگز نمی‌توان آن را برای ملاحظه یا خوشامد خلق رها کرد. چگونه می‌توان رضایت مخلوق را بر رضای خدا ترجیح داد یا بر اثر شرم و حیای نکوهش شده، از انجام کاری طفره رفت. از این رو اگر کسی در جمعی است که با او هم‌عقیده نیستند یا از آنها شرم دارد، باید با صلابت به پاخیزد و کارش را بدون شرم و ملاحظه کاری انجام دهد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

لَا تَعْمَلْ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ رِيَاءً وَلَا تَدَعُهُ حِيَاءً. (۱)

هیچ کار خیری را برای ریا انجام مده و هیچ کار نیکی را به سبب خجالت کشیدن رها مکن.

ص: ۱۹۱

مهمان ناخوانده

برخی مردم با آنکه از وضع مالی خوبی برخوردارند، ولی می‌کوشند بدون دعوت به خانه این و آن بروند و در این راه، چه بسا اعضای خانواده یا دوستانشان را نیز با خود همراه می‌سازند.

این کار پسندیده نیست؛ زیرا صاحب‌خانه را به زحمت می‌افکنند و بی‌اطلاع میزبان، او را غافل گیر و در برابر مهمان ناخوانده، شرمسار می‌کنند.

بنابراین، بدون هماهنگی و دعوت، به خانه کسی نرویم؛ چون این کار در هر مکتب و مرامی ناشایست و خلاف اخلاق است. پیامبر

گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در یکی از هشدارهای شدید می‌فرماید:

مَنْ مَشَى إِلَى طَعَامٍ لَمْ يُدْعَ إِلَيْهِ فَقَدْ دَخَلَ سَارِقًا وَ خَرَجَ مُعَيَّرًا. (۱)

هر که بی‌دعوت به مهمانی رود، دزد می‌رود و ننگین بیرون می‌آید.

ص: ۱۹۲

میزان سنجش عقل

عقل چیست و عاقل کیست؟ هر کسی، عقل را بر اساس فهم و خرد خود معنی می‌کند. از این رو، ممکن است برداشت بعضی افراد، با تفسیری که پیشوایان دینی از عقل و خرد دارند، متفاوت باشد.

چه بسا کسانی از نظر افراد معمولی، عاقل شمرده می‌شوند، ولی بر اساس معیارهای معصومین علیهم السلام در شمار افراد عاقل قرار نگیرند.

آورده‌اند: مردی نصرانی از اهل نجران به مدینه آمد. او مردی خوش‌بین، باوقار و با فضیلت بود.

مردم به رسول الله صلی الله علیه و آله گفتند: این مرد نصرانی چقدر با عقل و خرد است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از شنیدن این سخنان، معیار داوری برای انسان خردمند را چنین بیان فرمود:

مَهْ اِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ وَحَدَّ اللَّهُ وَ عَمِلَ بِطَاعَتِهِ. (۱)

دست نگه دار! خردمند کسی است که خدا را به یگانگی بشناسد و به فرمان او عمل کند.

ص: ۱۹۳

ن

نزدیک‌ترینان به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

رسول رحمت و هدایت آمد تا چراغ راه آدمیان به سوی خیر و نیک‌بختی باشد. ایشان برای رسیدن انسان به کمال و سعادت، دستورهایی داده است که انسان‌ها با عمل به آنها، خود را به خلق و خوی محمدی خواهند آراست. انسان‌ها اگر چنین کنند، در سایه لطف پیامبر قرار می‌گیرند و از آسیب‌های روز واپسین در امان می‌مانند. در این صورت، در آخرت نیز از یاران و نزدیکان آن حضرت خواهند بود. در مقابل، کسانی که دستورهای نبوی را نادیده بینگارند و در دنیا، خود را از نبی مکرم اسلام جدا سازند، در آخرت نیز از ایشان دور خواهند بود. بنابراین، چه خوب است که با آراسته شدن به اوصاف نبوی، خود را مشمول رحمت الهی و قرین عطوفت محمدی قرار

ص: ۱۹۴

دهیم که آن پیامبر مهرپرور می‌فرماید:

أَقْرَبُكُمْ مِنِّي غَدًا فِي الْمَوْقِفِ اصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ وَ آدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ وَ أَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ وَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ أَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ. (۱)

نزدیک‌ترین شما به من در فردای قیامت، آن کسی است که بیش از همه سخن راست بگوید، ادای امانت کند، به پیمان وفا کند و اخلاق وی نیکوتر و به مردم نزدیک‌تر باشد.

نفرین ستم‌دیدگان

مظلومان، دل‌های پرانده و خاطری افسرده از ستم بیدادگران دارند و مباد که دست دعا به نفرین بلند کنند؛ زیرا آتش دل سوختگان، ویرانی‌ها به بار می‌آورد و از این آتش سوزان، گریزی نیست. اصولاً واژه‌ای زیباتر از عدالت وجود ندارد و این مهم، از اهداف عالی پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام بوده است. چگونه انسان می‌تواند گلبانگ عدالت را

ص: ۱۹۵

نشیده انگارد و به سوی ستم و تعدی ره پوید.

منادی قسط و عدل و مبارزه با جور و ستم می‌فرماید:

اتَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا تَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ كَأَنَّهَا شَرَارَةٌ. (۱)

از نفرین ستم‌دیده بترسید؛ که چون شعله آتش به آسمان می‌رود.

نماز

ترک نماز، بزرگ‌ترین گناه است. نماز برای تربیت و تکامل روحی انسان‌ها واجب شده است، ولی برخی افراد برای گریز از انجام تکلیف و پیروی از هوای نفس یا تنبلی و کسالت، آن را انجام نمی‌دهند. این بندگان به جای شکرگزاری به درگاه حق و همراهی و هم‌نوایی با برگ درختان سبز و زمین و زمان و پرندگان و خزندگان در مدح خدای روزی‌رسان، به بهانه‌های گوناگون از زیر بار این

ص: ۱۹۶

مسئولیت انسان‌ساز می‌گیرند. گاهی می‌گویند:

«خداوند به نماز ما احتیاج ندارد». در پاسخ باید گفت نخستین چیزی که در قیامت از مسلمان می‌پرسند، درباره ستون دین است و برای ترک کنندگان نماز، عذاب دردناکی مقرر شده است.

آیا شایسته است انسان به دلیل تنبلی و کسالت، در دسته ناسپاسان قرار گیرد و از به جا آوردن نماز که وظیفه بندگی است، سرباز زند؟ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الصَّلَاةُ. (۱)

نخستین چیزی که از آن حساب‌رسی می‌کنند، نماز است.

نماز شب

اسلام به جز نمازهای واجب، بر ادای بعضی نمازها به دلیل آثار بسیار مهم تربیتی که در پی دارند، تأکید کرده است. در این میان، نماز شب از اهمیت

ص: ۱۹۷

بیشتری برخوردار است. وقت این نماز، از نیمه‌های شب تا نزدیک نماز صبح است و سحرخیزان و شب زنده‌داران با راز و نیازهای شبانه خود، به حال و هوای معنوی ویژه‌ای دست می‌یابند. اینان در خلوت ربانی خود، محو دیدار معشوق حقیقی می‌شوند و جز خدا، همه چیز را به فراموشی می‌سپارند. رمز موفقیت بسیاری از علما و اولیای الهی را در ادای نافله نماز شب دانسته‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ترغیب به ادای نماز شب می‌فرماید:

مَنْ كَثُرَتْ صَلَوَتُهُ بِاللَّيْلِ حَسَنَ وَجْهُهُ بِالنَّهَارِ. (۱)

هر کس در شب، نماز بسیار بخواند، در روز، چهره‌اش نورانی می‌شود.

نماز صبح در مسجد

آن گاه که تاریکی همه جا را فرا گرفته و سکوتی سنگین بر زمین حاکم است، بندگان صالح خدا از

ص: ۱۹۸

بستر برمی‌خیزند و برای به جا آوردن نماز صبح، به سوی مسجد می‌روند. این حرکت و خیزش به سوی مساجد، صفای خاصی دارد. در فضای سراسر ملکوتی مساجد و در این تماشاگه راز، بندگان خاص خدا را در حالت‌های گوناگون می‌توان دید. یکی در حال رکوع، دیگری با چشمان گریان از خدا طلب عفو می‌کند و با او در راز و نیاز است و آن دیگر، غرق در تفکر و تعمق. چه زیباست همراه شدن با این جماعت عاشق. در آن سو می‌بینیم که گروهی بی‌خبر از عالم معنا در خوابی عمیق فرو رفته‌اند و به دور از این غوغای ملکوتی، تنها به این می‌اندیشند که پاسی از صبح گذشته از خواب برخیزند و زندگی تکراری فردا و فرداها را آغاز کنند. رسول الله صلی الله علیه و آله در بشارتی نیکو به سحرخیزان می‌فرماید:

بَشِّرِ الْمَشَّائِينَ فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۰۹۰

ص: ۱۹۹

به آنان که در ظلمات شب به سوی مساجد می‌روند، بشارت بده که در روز رستاخیز، روشنی کامل دارند.

نیکوکاری

هر کاری می‌تواند آثار مثبت یا منفی در برداشته باشد. خداوند بزرگ به انسان، حق انتخاب داده است و انسان‌های شایسته کسانی هستند که راه‌های مفید را می‌پیمایند. اینان فرصت‌های الهی را از دست نمی‌دهند و با نیت خداپسندانه، برای رفع نیاز خود و دیگران می‌کوشند. بر عکس، انسان‌های ناسپاس، نعمت‌های الهی را به رایگان از دست می‌دهند و در برخورد با نیازمندان، آنان را به تمسخر می‌گیرند. اینان می‌گویند: «اگر خدا می‌خواست به فقیران روزی می‌داد و به کمک ما نیازی نیست.» این گونه افراد نمی‌دانند که کمک به نیازمندان، انسان را از سقوط به پستی‌ها و حوادث ناگوار و ناگهانی در امان نگاه می‌دارد. نیکوکاری و صدقه پنهانی و

ص: ۲۰۰

آشکار از کارهایی است که مایه سپیدرویی انسان در جهان آخرت خواهد شد. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به این عمل پسندیده می‌فرماید:

صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ الشُّوْءِ. (۱)

نیکوکاری، انسان را از مرگ‌های ناگوار در امان نگاه می‌دارد.

۱- همان، ش ۱۸۵۲

ص: ۲۰۱

و

وساطت در ازدواج

در فرهنگ اسلام این کار از ارزشمندترین وساطت‌ها به شمار آمده است. البته این کار به دلیل اهمیت و حقانیتش نیازمند تجربه و دقت و امانت‌داری است. فرد میانجی باید ویژگی‌های دو طرف را به خوبی و بدون کم و کاست برای یکدیگر بیان کند و زمینه شناخت آن دو را فراهم آورد. در این صورت است که می‌تواند زمینه سعادت و آرامش دو جوان را فراهم کند و فرد میانجی را نیز به پاداش الهی برساند. از این رو، پیامبر خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

مَنْ أَفْضَلَ الشَّفَاعَةِ أَنْ تَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي النِّكَاحِ. (۱)

از جمله بهترین وساطت‌ها این است که میان دو نفر در ازدواج، وساطت کنید.

ص: ۲۰۲

وصیت‌نامه

بی‌شک، همه موجودات، طعم تلخ مرگ را خواهند چشید جز ذات لایزال الهی که همیشه بوده و خواهد بود. مخلوقات دیر یا زود، از این جهان فانی خواهند رفت، ولی نیاز به سفارش پس از مرگ، بسیار ضروری است تا نظام خانوادگی و روابط اجتماعی دچار مشکل نگردد. چه بسا انسان‌هایی که بدون وصیت، از این جهان رفته‌اند و پس از مرگ آنان، اختلاف‌های شدید مالی میان اعضای خانواده اتفاق افتاده است یا اشخاص بیگانه، ادعای طلب‌کاری داشته‌اند. آیا بهتر نیست انسان با نوشتن وصیت‌نامه، از رخ دادن این غایله‌ها پیش‌گیری کند و خدای نکرده زیر دین دیگران قرار نگیرد و سبب اختلاف خانواده نیز نشود. پیامبر اسلام می‌فرماید:

تَزُكُّ الْوَصِيَّةُ عَارِفِي الدُّنْيَا وَ نَارًا وَ سَنَارًا فِي الْآخِرَةِ. (۱)

وصیت نکردن، مایه ننگ این جهان و مایه آتش و رسوایی آن جهان است.

ص: ۲۰۳

۵

هدیه

هدیه، محبت میان انسان‌ها را افزایش می‌دهد. در حقیقت، هدیه دهنده با این کار، علاقه و محبت خود را بیان می‌کند. قیمت و ارزش بالای هدیه، معیار و ملاک جلب محبت نیست؛ زیرا ممکن است هدایای غیرمادی که نشان‌دهنده حسن نیت و صداقت اهدا کننده است، بسیار کارسازتر باشد. در اسلام، نفس و اصل عمل مورد توجه است. بنابراین، تهیه هدایای گران‌بهای مادی را خردمندانه نمی‌داند.

اصالت هر هدیه، مفید و معنوی بودن آن است و ارزش مادی آن اهمیتی ندارد. از سوی دیگر، اگر هدیه پر قیمت باشد، طرف مقابل نیز برای جبران آن گرفتار سختی و دردسر می‌شود. گاهی اوقات، تهیه هدیه‌ای هم‌سنگ هدیه آشنایان، از عهده فرد خارج است. از این رو، به ناچار از او فاصله می‌گیرد. در این حالت، هدیه نه تنها محبت را افزون نکرده، بلکه

ص: ۲۰۴

رشته‌های مودت و دوستی پیشین را نیز از هم گسیخته است. بر این اساس، برای تقویت رشته‌های محبت باید شئون و توانایی طرف مقابل در نظر گرفته شود. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

تَهَادُوا تَحَابُّوا. (۱)

به یکدیگر هدیه دهید تا رشته‌های محبت‌تان استوار گردد.

هدیه معنوی

گاهی افرادی را می‌بینیم که وقتی سخن خوبی را می‌شنوند یا مطلب سودمندی را در کتابی می‌خوانند و آن را سودمند می‌یابند، بی‌درنگ یادداشت می‌کنند تا در زمان مقتضی، به اطلاع دوستان و آشنایان و دیگران برسانند. این کار، شیوه بسیار پسندیده‌ای است و در طول تاریخ، بسیاری از انسان‌ها، از همین راه به آگاهی‌های بسیار ارزشمندی دست یافته‌اند. چه بسا اگر این کار انجام نمی‌شد، امروز بسیاری از

ص: ۲۰۵

دانستنی‌های ما وجود نداشت. پس بکوشیم سخنان و گفتار سودمند را به آگاهی همگان برسانیم تا با ثبات و ضبط آن در حافظه‌ها و عمل به آن، راه هدایت را بیماییم. حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره هدایای کلامی می‌فرماید:

نِعْمَ الْعَطِيَّةُ كَلِمَةٌ حَقٌّ تَسْمَعُهَا ثُمَّ تَحْمِلُهَا إِلَىٰ أَخٍ لَّكَ مُسْلِمٍ. (۱)

چه نیکو عطایی است کلمه حقی که آن را می‌شنوی، سپس به برادر مسلمانان می‌رسانی.

هم‌نشینی با فقیران

بعضی افراد همیشه از فقیران و نیازمندان فاصله می‌گیرند تا مبادا از ایشان چیزی بخواهند یا اینکه شأن خود را از آنان بالا-تر می‌دانند. این در حالی است که ارزش هر کسی با تقوای او محک زده می‌شود و چه بسا فقیری با جامه مندرس، در پیش‌گاه الهی صاحب مقام و موقعیت والا باشد.

ص: ۲۰۶

هم‌نشینی با فقیران و رسیدگی به آنان در سیره تابناک اولیای الهی کاملاً نمایان است. آنان همواره با فقیران نشست و برخاست داشتند و کسانی را که از فقیران فاصله می‌گرفتند، به شدت نکوهش می‌کردند. پیامبر عظیم‌الشأن اسلام درباره دوستی با فقیران می‌فرماید:

اتَّخِذُوا عِنْدَ الْفُقَرَاءِ أَيْدِيَ فَاِنَّ لَهُمْ دَوْلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

با فقیران دوستی کنید؛ زیرا آنان در روز قیامت، منزلت بزرگی دارند.

هم‌نشینی با نیکان

انسان همیشه نیازمند آموختن مسائل اخلاقی و تربیتی است تا راه کمال و پویایی را در پیش گیرد. یکی از راه‌هایی که آدمی را در پیمودن نردبان قرب و تهذیب نفس یاری می‌کند، هم‌نشینی با خوبان است. نیکان کسانی هستند که فضایل و تجربه کافی دارند

ص: ۲۰۷

و انسان با خیال آسوده می‌تواند به آنان اعتماد کند؛ از گفتار و رفتارشان، توشه سفر، فراهم آورد و روح و روان خویش را پالایش کند. آن‌گاه هم چون فرشته‌ای سبک‌بال، با عطر صفا و محبت، پروازی دل‌نشین را بیازماید و از لذت علم و عمل بهره‌مند شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره معاشرت با نیک‌منشان می‌فرماید:

جَالِسُوا الْكِبْرَاءَ وَ سَأَلُوا الْعُلَمَاءَ وَ خَالَطُوا الْحُكَمَاءَ. (۱)

با بزرگان هم‌نشین شوید، از دانشمندان پرسید و با حکیمان ارتباط داشته باشید.

۱- نهج الفصاحه، ش ۱۳۰۰

ص: ۲۰۹

۵

یادداشت دانستی‌ها

یکی از بهترین کارها این است که انسان، آموخته‌های خود را یادداشت کند. بعضی افراد به این مسئله توجهی ندارند و فکر می‌کنند که می‌توانند آن اندوخته‌ها را در حافظه خود نگه‌داری کنند، ولی به تدریج، معلومات خود را به فراموشی می‌سپارند. همه انسان‌ها ذهن قدرت‌مندی چون ابن‌سیناها ندارند و مانند ماشین حساب و رایانه نیز نیستند که اگر چنین هم بود به دلیل اختلال و نقص، همه حافظه خود را از دست می‌دادند. انسان برای نگه‌داری اندوخته‌های خود به ناچار باید آنها را ثبت و ضبط کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز به این امر توجه کرده و فرموده است:

ص: ۲۱۰

قَدْوَا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ. (۱)

دانش را با نوشتن ثبت کنید.

یاد کرد نیکی مردگان

چون انسان معصوم نیست، خواه ناخواه در طول زندگی مرتکب اشتباه و خطا می‌شود. پس همه در پرونده کار خود، رفتار نیک و بد دارند. با این حال شایسته است پس از درگذشت آنان، رفتارهای خوبشان را بازگو کنیم و از بدی‌های آنان سخنی نگوئیم؛ زیرا:

۱. شاید خداوند، وی را به دلیل کارهای نیکش، آمرزیده باشد.

۲. اینک او در گذشته است و زنده نیست تا از خود دفاع می‌کند.

۳. این کار، بازماندگانش را بسیار ناراحت می‌کند.

ص: ۲۱۱

۴. در آموزه‌های اسلامی آمده است که از درگذشتگان به نیکی یاد کنیم.

پیامبر و ارسته اسلام می‌فرماید:

اذْكُرُوا مَحْسِنًا مَوْتَاكُمْ وَكُفُّوا عَنْ مَسَاوِيهِمْ. (۱)

نیکی‌های مردگانتان را یاد کنید و از بدی‌هایشان چشم‌پوشید.

۱- همان، ش ۲۴۹

ص: ۲۱۳

کتابنامه

۱. اصفهانی، رضا، اخلاق برای همه (جلد ۱)، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- با پیامبر مهربانی؛؛ ص ۲۱۳
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، انتشارات جاویدان.
۳. حرانی، ابومحمد حسن، تحف العقول، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۷۶ ه. ق.
۴. حکیم، سید محمد تقی، پیام پیامبر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۵. سجادی، محمد صادق و مرتضی فرید، اخلاق از دیدگاه قرآن و عترت، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۸.
۶. صالحی، عبدالله، زندگی و سخنان چهارده معصوم علیهم السلام، قم، دارالنشر، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
۷. صبحی، صالح، نهج البلاغه، بیروت، چاپ اول،

ص: ۲۱۴

۱۳۸۷ ه. ق.

۸. صدوق، خصال، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه. ق.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۹۲ ه. ق.
۱۰. فیض کاشانی، ملا محسن، المحجۀ البيضاء، تهران، چاپ‌خانه حیدری، ۱۳۴۰.
۱۱. -، وافی، اصفهان، ۱۳۲۴ ه. ق.
۱۲. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تهران، چاپ افست مروی، بی‌تا.
۱۳. کلینی، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ه. ق.
۱۴. متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ه. ق.
۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه. ق.
۱۶. محصل، سید عبدالوهاب، سعدی در گلستان حدیث

ص: ۲۱۵

- آل محمد صلی الله علیه و آله، قم، انتشارات محصل، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۷. مفید، الارشاد، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ه. ق.
۱۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ه. ق.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج‌مرضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

